



يك مجلس از مجالس نقاشی سعادت‌ای از جامع التواریخ رشیدی (مقابل صفحه ۵۵۸)

و شهرت فوق العاده بهم رساند و عطا ملک که مردی کریم و بخشنده و در عراق دارای دستگاہ سلطنتی بود و هر سال مبالغی هنگفت تقدیمی و هدیه بدربار ایلخان میفرستاد و يك قسمت عمده از آنها پارچه های زربفت قیمتی بود در اصلاح و رونق آن کارخانجات سعی بسیار داشت .

در عهد ایلخانی کبکخاتو و صدارت خواجه صدر الدین خالدی زنجانی بواسطه نایاب شدن سیم و زر لطمه بزرگی بیافت پارچه های گرانبها وارد آمد و این خواجه در موقع رایج ساختن چاو از جمله احکامی که داد یکی نیز آن بود که نسج پارچه های زربفت جز آنچه بایلخان و شاهزادگان تعلق داشت موقوف شد .

در عهد غازان که بار دیگر خزانه مملکت بتدبیر خواجه رشید الدین فضل الله معمور گردید و معامله بزر و سیم آزاد شد و مقدار این دو فلز در ممالک ایلخانی رو بفروانی گذاشت مجدداً بافت پارچه های قیمتی رواج گرفت و کارخانه ها مثل ایام قبل از کبکخانو دایر شد و در عهد اولجایتو اهمیت کارخانجات نساجی بغداد تا آنجا رسیده بود که خواجه سعد الدین ساوجی برای دور کردن رقیب خود یعنی تاج الدین علیشاه از حضور ایلخان او را صکه داعیه وزارت داشت بریاست کارخانه های بغداد فرستاد و علیشاه بزودی چنان امور کارخانجات را مرتب کرد که پیش از او کسی آنها را بآن خوبی اداره نکرده بود و در مدتی قلیل در آنجا پارچه هایی تهیه کرد که تا آن زمان نظیر آنها از جهت نظافت و گرانبهائی فراهم نشده بود .

بعد از قتل خواجه سعد الدین ساوجی و اختیار علیشاه بجای او و قرار گرفتن مقام وزارت اولجایتو بر عهده علیشاه و خواجه رشید الدین فضل الله از جمله پیشکشها که این دو وزیر جدید بخدمت ایلخان تقدیم نمودند ، مقداری پارچه های زرکش و خرگاههای زرین مرصع و قبا های مغزق و جامه های استبرق بود که تا آن عهد و زمان کسی نظیر آنها را بچشم ندیده بود .

نسج پارچه های ابریشمی نیز در این ایام در ایران بخصوص در گیلان و خراسان و یزد و کرمان اهمیت فوق العاده داشت و اساساً ابریشم در آن از منتهی از ثروت های گرانبها بود چنانکه قسمتی از مالیات جنسی این ولایات بابریشم تأدیه میشد و غالباً خراجی که بر عهده

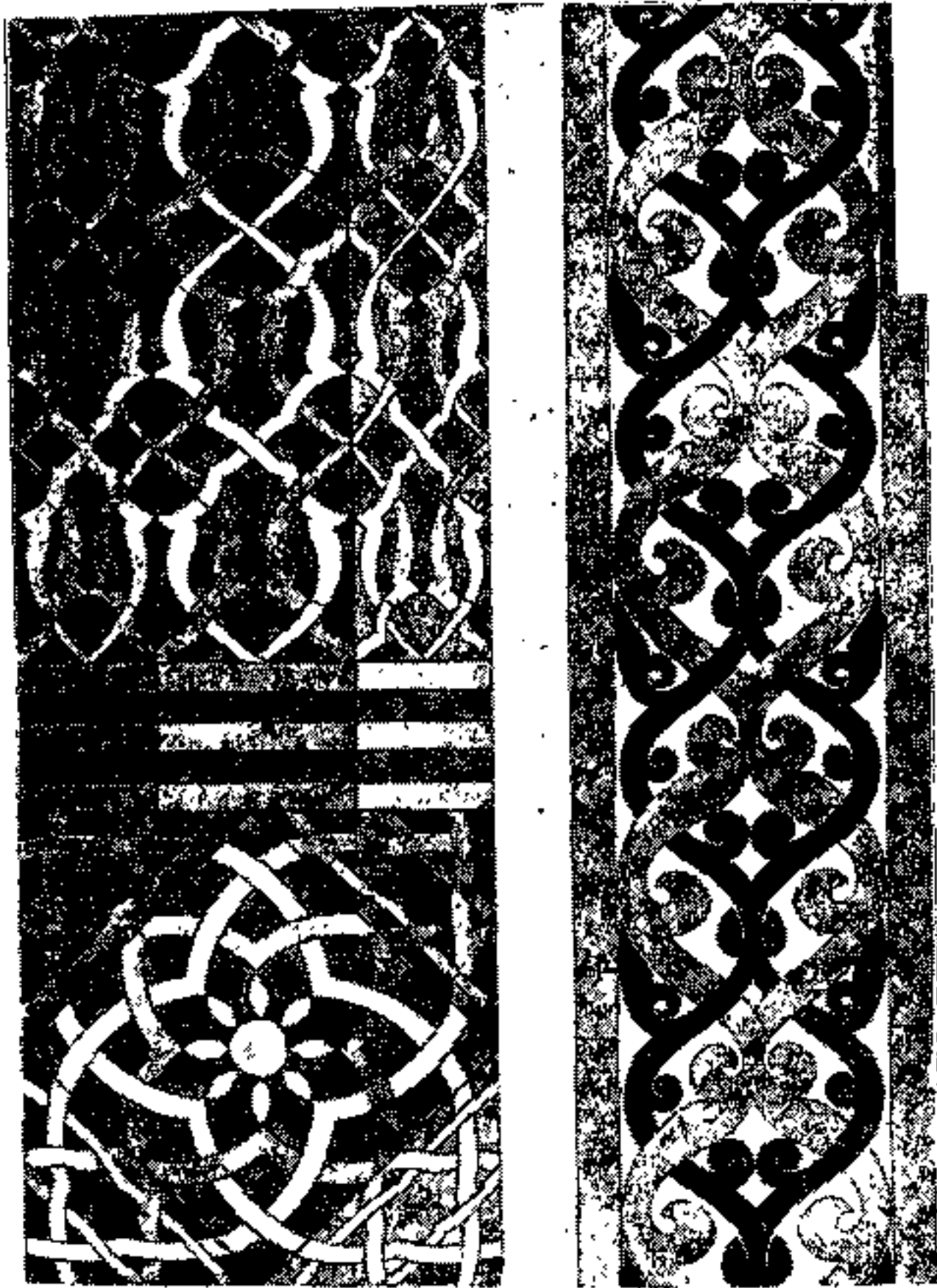
مؤدیان ولایات مزبور را گذار میکردید ابریشم بود چنانکه اولجایتو پس از فتح گیلان امرای محلی آن سر زمین را هر يك بقدر وسع پیرداخت مقصداری ابریشم در سال واداشت و در خراسان نیز در عهد سربداران پهلوان حسن دامغانی با دادن چند خروار ابریشم بدرویش عزیز مجدی او را از مخالفت با خود باز داشته باصفهان روانه کرد و ابریشم چنانکه خواهیم گفت در عهد استیلای مغول یکی از مهمترین مالالتجاره های شرق بود و تجار غربی با جد و جهد بسیار در خرید و جلب آن سعی میکردند.

بافت قالی و سجاده و گلیمهای عالی نیز در دوره ایلخانان در ایران و سایر ممالک اسلامی شرق رونق بسیار داشته و مقدار زیادی از آنها بوسیله بنادر خلیج فارس به هندوستان و بابتوسط تجار ونیزی و ژنی باروفا حمل میشده است ولی متأسفانه از آنها امروزه کمتر نمونه ای در دست است تا از روی آنها بتوان معلومات علمی وافی بدست آورد.

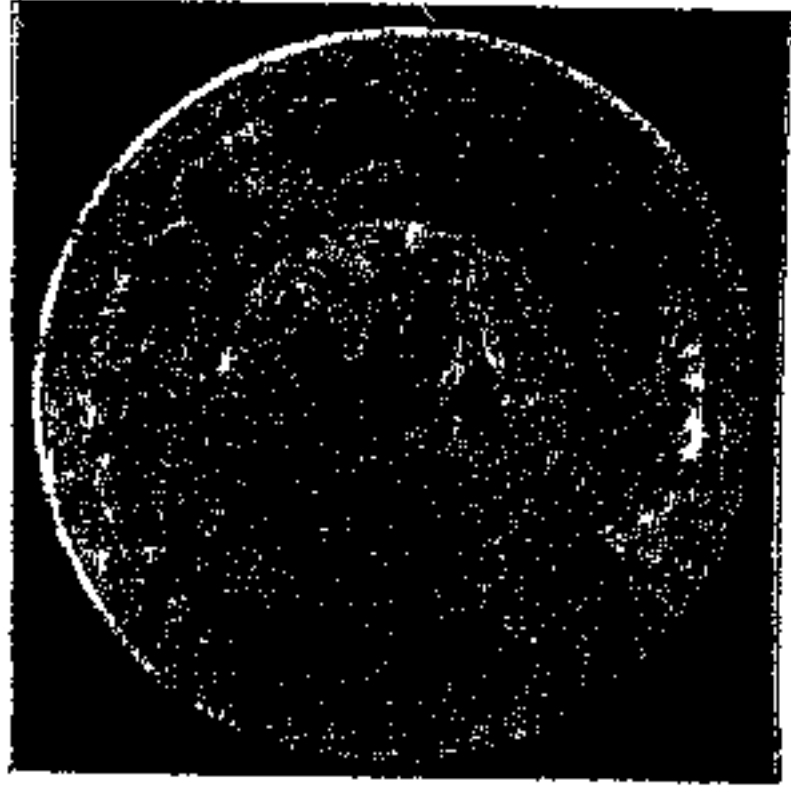
در میان بلاد اسلامی مشرق شهر موصل بمناسبت وقوع بر سر راه بین ممالک ایل نشین (کردستان و لرستان و بادیه الشام) و سهولت تحصیل اقسام پشمهای عالی و بعلمت نزدیکی بدو پایتخت بیلاقی و قشلاقی ایلخانان (تبریز و بغداد) در بافت اقسام فرشها و پارچه های پشمی عالی شهرت مخصوص بهم رسانده بود و غالباً تجار خارجی در تبریز و بغداد و خود آن شهر پارچه ها و منسوجات مخصوص موصل را بقیمتهای خوب خریده بخارج صادر میکردند از آنجمله در یکی از محلات موصل که عتایی نام داشته يك قسم قالی (۱) و پارچه ای از نوع البجه (۲) می بافته اند که مشهور عالم بوده. علاوه بر تشویق سلاطین و امرا و احتیاجات تجارتهی امر دیگری که صنایع ظریفه دقیق را در عهد ایلخانان در ممالک اسلامی مخصوصاً ایران رواج کثی داده بسط افکار عرفانی است چه عرفا چنانکه میدانیم با ذوق ترین بزرگانی هستند که در تاریخ این مملکت نام ایشان مذکور است و این جماعت که هر نقش جمیل و صورت زیبارا مظهر تجلی نور حق و جمال الله میدانستند در آرایش و نفاست لباس و سجاده خود و

(۱) این قسم قالی را که تجار فرنگی بهمان اسم عتایی میخوانده اند بیازارهای فرنگ برده میفروختند و کلمه «Tapis» در السنه فرنگی از همین لغت عتایی اشتقاق یافته.

(۲) عتایی در میان مسلمین بمعنی عام پارچه مخطوط معمول گردیده و گویا هم بهین مناسبت مخطوط بودن «حمار عتایی» میخوانده اند.



نمونه‌ای از کاشیهای سلطانیه (مقابل صفحه ۵۶۰)



گرد کردن اشیاء ظریف سعی میکردند و عادتاً تا حدی مثل مائو به از صنایع مستطرفه تشویق می نمودند و همین نکته نیز یکی از علل متفور بودن ایشان در پیش اهل زهد و ریا بود و این جماعت اخیر متصوفه را بهمین مناسبات مشرك و بت پرست میخواندند کاشهای مغرق و ظروف منقوش سفالین که از آثار عهد ایلخانان در ری و سلطان آباد و ورامین و خراسان بدست آمده نیز از جهت طرافت و استادی در یقین گد و رنگ آمیزی و نقوشی که در روی آنها ساخته شده از شاهکارهای بسیار عالی است و این ظروف با وجود شهرت کاسه چینی در تمام ممالک شرق و غرب خریدار داشته حتی بارویا و چین نیز برده میشده و در فرنگستان سره شق تقلید برای استادان آن سرزمین گردیده است.

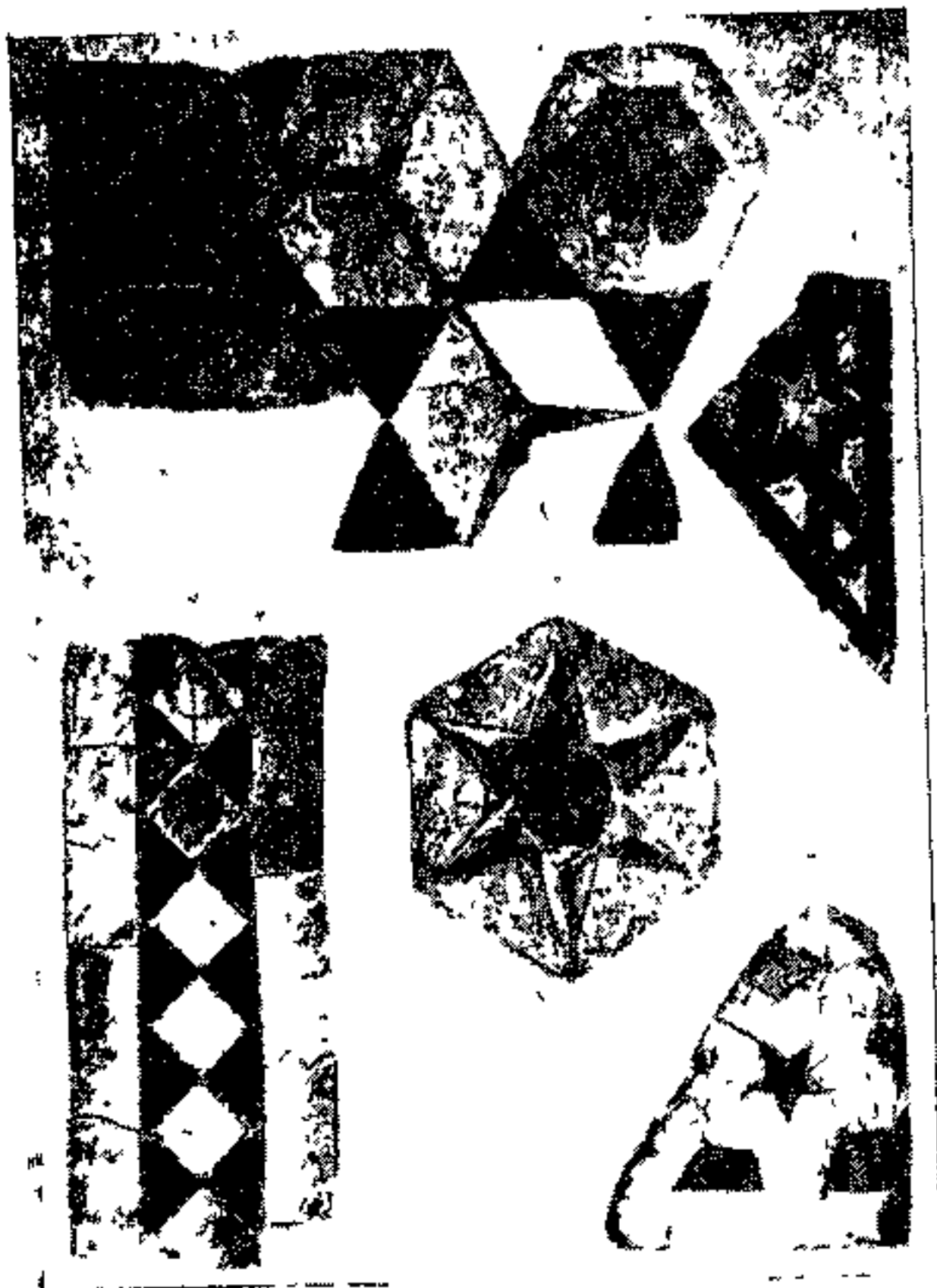
ساختن آلات رصدی و نجومی و اقسام ساعتها و اسباب معرفت اوقات نماز و تعیین ظهر نیز در جمیع ممالک اسلامی معمول بوده و قبل از استیلای مغول در دو مرکز اسلامی عمده شرق یعنی الموت و بغداد اسماعیلیه و حلقهای عباسی در جمع آوری اینگونه آلات و جلب استادان این فنون سعی بسیار داشتند و خرابین بغداد و الموت از این جهات در دیای آن ایام کمال شهرت را داشت و پس از آنکه هولاکو بر الموت و بغداد دست یافت قسمت عمده این آلات نفیسه را تحت اختیار خواجه نصیرالدین قرار داد تا در رصد مراعه از آنها استفاده کند و خواججه خود نیز در سمرهائی که بغداد کرد مقداری دیگر از آن آلات را برای انجام کار رصد جمع آورد و آشنایان بصناعت آلات رصدی و نجومی را بمراعه برد

یکی از شعب عمده صنایع مستطرفه که مخصوصاً مقارن استیلای مغول در ممالک شرق اهمیت فوق العاده داشت حس خط بود و مستنصر و مستعصم و وررای ایشان در جلب خوشنویسان و نگار و اداسن ایشان در حرارة الکتبهای دارالخلافه مبالغ بسیار حرج میکردند و مشهورترین خطاطان این دوره دو نفرند یکی صفی الدین عبدالعزیز ارموی (متوفی ۶۹۳) که احوال او گذشت دیگر شگرد او که در فن خط بمرااتب ار استاد خود نیز معروف شده یعنی جمال الدین یاقوت مستعصمی (متوفی سال ۶۹۸) که هر دو سابقاً از خطاطان مخصوص مستعصم آخرین حلیفه عباسی بوده و بعد از بر افتادن دولت عباسیان بخدمت خاندان جوینی پیوسته اند و یاقوت که استاد خط نسخ

محسوب میشود ابتدا از غلامانی بوده که او را مستعصم خریدند و بشاگردی پیش صفی‌الدین عبدالمؤمن وا داشته و او نزدی در ادب و حسن خط مهارت بسیار یافته و در این فن اخیر بر استاد خود نیز پیشی گرفته است عطا ملک جوینی او را بسیار محترم میداشت و پسران خود و برادر زاده خویش شرف‌الدین هارون را برای آموختن حسن خط پیش او بشاگردی وا داشت .

معماری و ابنیه

در بادی نظر نسبت بنای ابنیه و عمارات بمغول و بحث در این باب در دوره استیلای ایشان غریب مینماید زیرا که اولاً قوم تاتار چنانکه سابقاً هم گفته آمد مثل هر طایفه بدوی دیگر یا بند باقامت در محلی ثابت نبوده و قرار گناه ایشان انحصار بهمان چادر های ابدیانی و مورت‌های مخصوص داشته که در حین قرار مجموع آنها حکم شهری را پیدا میکردند و پس از حرکت اثری از آنها بجا نمانده است تا با طایفه تاتار و اتباع چنگیز و سرداران و جا نشینان او آب خرابی بوده و بهر جا که قدم میگذاشته اند آبادیها را زیر و زور نموده و گاهی نیز عظیمترین بلاد را بدون اغراق بادشت و هامون برابر مینمودند و ای اینحال چنانکه در حین استیلای هر قومی اتفاق میافتد و لارمه کز و فر و تسخیر بلاد خصم است اختصاص با وایل حال انسان داسه و پس از آنکه دوره فتوحات مانتها رسیده و زمان اداره ممالک مسوده و اروم احضار مراگری برای آنها پیش آمده مغول نیز خرابی میخواستند محکوم حکم آداب رعایای مغلوبه خود گردیده و مثل انسان مقبول اقامت در پایتخت و تأسیس ادارات و فراهم داشتن و در او و عمال دیوانی در گرد خود مجبور شده اند و چون رسم ایلیایی خود را در رفتن از قشلاق بیلاق و بالعکس نیز از دست نداده بودند غالباً دو اقدامگاه برای خود داشته یکی در عراق عجم و آنرا بیجان (تبریز ، او جان ، موغان ، ایران ، ساطانه) دیگری در عراق عرب (بغداد) و در هر يك از این مرا که امانت را امر او و وزیرای ایشان جهت خود عمارات و ابنیه ای بنا نموده اند ، بعلاوه جا نشینان و سرداران چنگیز پس از تسخیر و خرابی بلاد ایران همینکه آنها را بتصرف خود گرفتند مردم اجازه تجدید عمارت آنها را دادند و خود نیز بعضی اوقات در این کار به شرفمند شدند و بر اثر همین



نمونه هایی از کاشیهای عهد مغول که اصلاً منقّب است (مقابل صفحه ۵۶۲)

کیفیت بسیاری از خرابیهای سابق مرمت شد چنانکه ماوراء النهر و بلاد ترکستان بدست امیر مسعود بیک بن محمود یلواج و عراق عرب بتوجه خاندان جوینی مخصوصاً عطا ملک و قوچان بدست هولاکو و ارغون مجدداً آباد گردید.

تا موقع اسلام آوردن ایلخانان ایران مغول اجساد سلاطین خود را دور از نظر عامه در محلهائی مخفی دفن میکردند و بهمین جهت محل قبر ایلخانان غیر مسلمان درست معلوم نیست ولی پس از آنکه ایشان قبول اسلام کرده اند مخصوصاً از عهد غازان بعد که هم اسلام ایشان قوت گرفته و هم مدت سلطنت ایلخانان مسلمان از دوره ایلخانی اسلاف مسلم آن جماعت طویلتر شده بقانون مسلمین بنای مقبره و گنبد مخصوص اقدام نموده اند بعلاوه برای نشان دادن تعلق خود با اسلام بانشاء و تعمیر ابنیه خیر دیگر نیز از قبیل مساجد و جوامع و مدارس پرداخته و اگر چه قبل از ایلخانان مسلمان ایلخانان دیگر هم کلیساها و معابد بودائی در ایران ساخته بوده اند ولی بعدها مسلمین آثار آنها را بر انداخته و نام و نشانی از آنها بجا نگذاشته اند و بهمین علل است که بیشتر ابنیه و آثاری که از دوره مغول باقی است از عهد غازانخان بعد است.

از دوره غاران بعد ساختن سه رشته بنا بدست ایلخانان و وزرا و امرای ایشان

معمول شده است :

۱ - بنای آبادیها و شهر های بیسلاقی و قشلاقی یا تعمیر قری و آبادیهای سابق

مثل تعمیر اهجان و تسمیه آن بشهر اسلام و بنای محمود آباد موغان و تجدید قسمتی از عمارات ری و انشاء باروی تبریز و ساختن شنب غازان بتوسط غازان و بنای سلطانیه و سلطان آباد چهچمال بتوسط او و اجابت و بنای قسمتی از سلطانیه و ربع رشیدی بدستور خواجه رشیدالدین فضل الله و قسمتی از ابنیه تبریز بتوسط خواجه علیمشاه و غیره .

۲ - ابنیه مذهبی و مدارس و عمارات خیریه مثل بنای دار السیاده و خانقاه

نجف و ابنیه خیریه شنب غازان بامر این ایلخان و بنای مسجد ذوالکفل و ابنیه خیریه سلطانیه و تعمیر مسجد جمعه اصفهان و ورامین بتوسط او و اجابت و ابنیه خیریه عطا ملک در عراق عرب و خواجه رشیدالدین در سلطانیه و ربع رشیدی .

۳ - مقابر و گنبد ها یعنی گنبد شنب غازان مقبره این ایلخان و دو گنبد

سلطانیه مقبره او اجامه و امیر سعید .

استیلای مغول در اوایل نه تنها موجب ویرانی آبادیها و خرابی عمارات و ابنیه گردید بلکه جمع کثیری از استادان صنایع مستظرفه و هنر مندان را از میان برد و از این مردم عدّه ای نیز مثل فضلا از ایران گریختند و بیلااد دیگر اسلامی از جمله بسر زمین روم و مصر مهاجرت نمودند و در پناه امرا و سلاطین آن نواحی بیروز هنر و استادی خود پیرداختند و همین مسئله همچنانکه ادبیات فارسی را در خارج ایران منتشر ساخت صنایع ظریفه و سبک معماری خاص ایرانی را نیز در بلاد روم و مصر داخل نمود و يك عدّه از ابنیه مصر و شام و روم در آن ایام بدست ایرانیان مهاجر بنا شده است.

از زمان هولاکو بعد که روابط بین ممالک اسلامی مرکز و مغرب آسیا با چین رو با افزایش رفت و متمدن چین و ایرانی بیلااد یکدیگر رفت و آمد کرده باهم مخلوط شدند و بالنتیجه بسیاری از معلومات و هنرهای یکدیگر را آموختند هم معماری اسلامی عهد سلاجقه و بنی عباس بدست ایرانیان در چین نفوذ نمود و هم معماری چینی در ممالک اسلامی، مخصوصاً از سبک معماری چینی چیزی که بیشتر در میان مسلمین تأثیر کرده یکی شکل گنبد هاست که در مقابر و مساجد کاملاً از معابر چینی و بودائی تقلید شده دیگر استعمال رنگ آبی شفاف در کاشی کاری و پوشاندن نخارج گنبد ها از کاشیهای کبود براق مخصوصاً بعضی از بنا هائی که از عهد ایلخانان باقی مانده از دور هیئت چادرها یعنی یورتهای مخصوص ایلات را دارد و از این جهت بنای ظریفی که هنوز قسمت عمدّه آن در مراغه باقیست و بمقبره دختر هولاکو خان شهرت دارد از همه نمایان تر است. اما از آثار و ابنیه عهد ایلخانان آنچه هنوز بهجاست اگر چه بحال خرابی است و قسمت عمدّه آنها محو شده ابنیه ذیل قابل اعتناست:

۱ - مقبره معروف بمقبره دختر هولاکو در مراغه،

۲ - بقایای رصد خانه مراغه،

۳ - مسجد ورامین از اولجایتو،

۴ - قسمتی از مسجد جامع اصفهان از اولجایتو،

۵ - گنبد سلطانیّه از اولجایتو،

۶ - بنائی از ابوسعید در مراغه،



مسجد جامع ورامین از بناهای اولجايتو (مقابل صفحه ۵۶۴)

در میان این ابنیه آنکه از همه مهمتر و در عصر ایلخانان آخری در عالم شهرتی بسزا داشته و هنوز نیز قسمت مهمی از آن برپاست گنبد سلطانیّه یعنی مقبره سلطان محمد اولجایتو است که آن ایلخان بشرحی که سابقاً گفتیم آنرا خود در حیات خویش در ضمن بنای شهر سلطانیّه که از ۷۰۵ تا ۷۱۳ طول کشیده ساخته است.

این گنبد که در داخل باروی سلطانیّه قرار داشته بنائی است مثمن یعنی هشت گوش که طول هر ضلع آن بهشتاد گز بالغ میشود و گنبدی که بر روی آن بوده ۱۲۰ گز ارتفاع داشته است. در اطراف بنای مزبور پنجره های آهنینی ساخته بودند که یکی از آنها دارای ۳۰ ارش ارتفاع و ۱۱۵ ارش عرض بوده، مقبره اولجایتو سه در بسیار عالی منقور داشته که روی آنها را با ظرافت تمام بخطوط و نقوش زیبا مزین کرده بوده اند.

داخل و خارج گنبد اولجایتو از کاسیهای کبود بسیار شفاف که هنوز قسمتی از آنها باقیست مستور بوده و هیئت آن از فاصله های بعید در مقابل نور آفتاب بدرخشانی تمام جلوه میکرده و این قسم بنا که تا آن تاریخ بآن جامعیت در ممالک اسلامی سابقه نداشته بتدریج سر مشق بناهای عهد تیموریان و صفویه شده و در دوره صفویه بکمال خود رسیده است.

قبل از عهد اولجایتو کاشی کاری در داخل مساجد و عمارات معمول بوده ولی فقط در بعضی قسمتهای آن گنبد سلطانیّه در میان ابنیه اسلامی اولین نمونه ایست که در تمام آن کاشی کاری بکار رفته و این عقیده جماعتی از محققین بر اثر عادت مغول و مراسم ایشان است چه این قوم در چادرها و یورتهایی که جهت خانان خود تهیه میدیدند سعی بلیغ داشتند که دو طرف داخلی و خارجی چادرها و خیمه ها را باقسام تزیینات بیارایند و خیمه زرکشی که هنرمندان تبریز برای تقدیم بابا قباخان ساختند و داخل و خارج آنرا باقسام اطلس و حریر و سنجاب آراستند از این قبیل بود. پس از اقامت در شهر در بنای ابنیه نیز همین سلیقه را بکار بردند و بهنر مندان و معماران دستور دادند که عمارات و مساجد و مقابر را بهمین وضع دلگشای مفرح بسازند و این مسئله در میان مفسرین مسلم ابتدا بنظر خوشی تلقی نشد چه ایشان مخصوصاً در باب مساجد تذهیب و آرایش را منافق با عبادتخانه اسلام، مشرک داند و آنرا از قسمل تشبه بدت پرستان

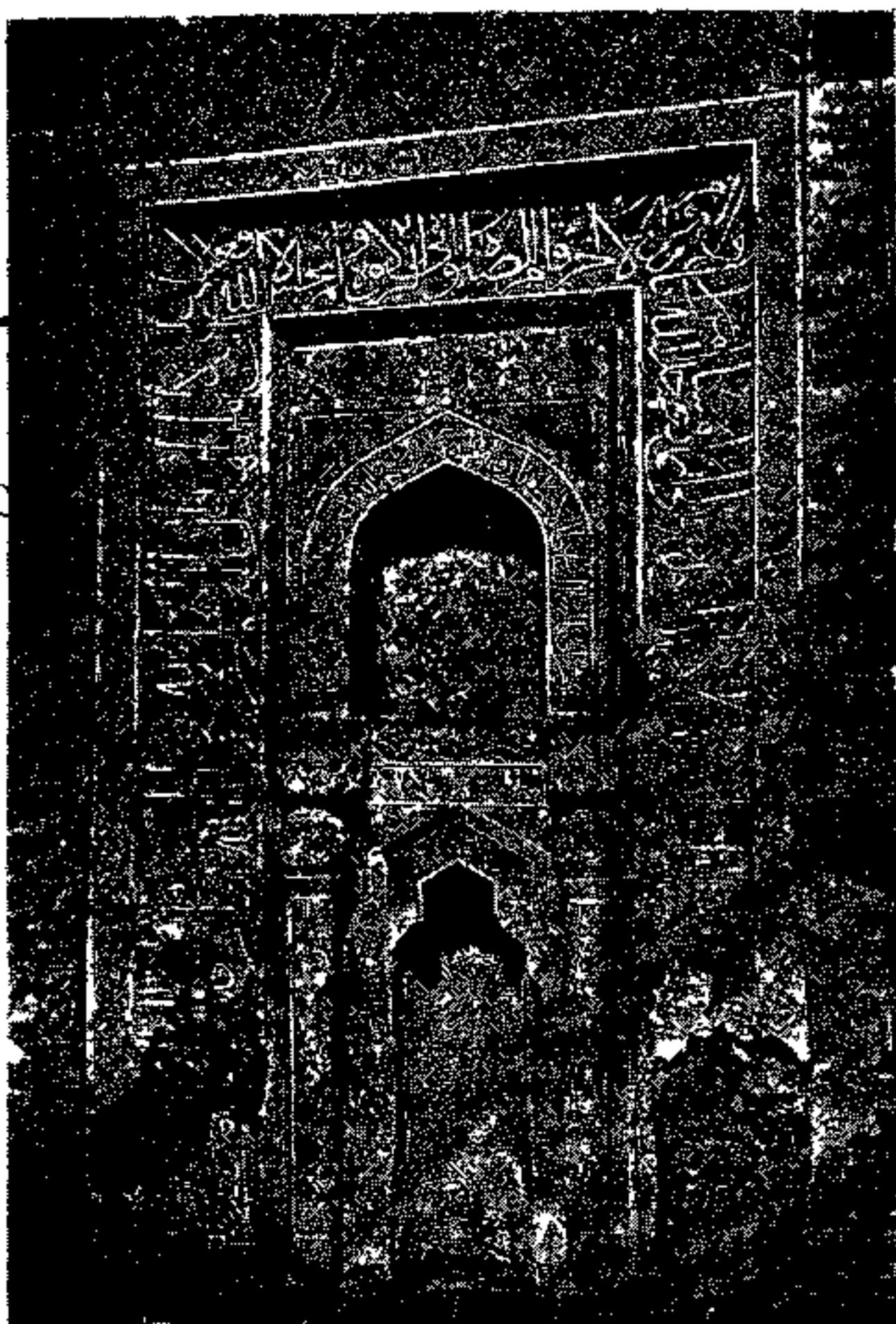
و عیسویان میدانستند چنانکه در اوایل عهد ابو سعید موقمی که با امر این پادشاه مبالغ خطیری در سلطنته صرف بنای مسجدی شد و در حین عمل طاقی صکه جهت مسجد بار تفاع زیاد برپاشده بود خلل پذیرفت و مسجد ناتمام و متروک ماند جمعی این پیش آمد را بر آن حمل کردند که چون سلطان و وزرای او وجهی گزاف از عایدات مملکت را فقط برای تفنن و آرایش نه در راه حق و اظهار اخلاص باو صرف کردند عمل ایشان حسن ختام پذیرفت و اتمام نیافته راه زوال سپرد و شاعری در همان عهد گفت :

جزای قبیح عمل بین که روزگار هنوز تمام نشده طاقی همی کند ویران.

روابط تجارتي

استیلای مغول و در آمدن قسمت اعظم آسیا مخصوصاً ممالک متمدنه قدیم و طرق ارتباطیه مهم آن در تحت بک اداره و حکومت و مطاع و محترم شدن یاسای چنگیزی در جمیع ممالک تابعه او اوس اربعه باعث بر افتادن عموم سدهای بزرگی گردید که سابقاً بعلة اختلاف طرز حکومت و وجود سر حدّ های سیاسی و آداب و اخلاقی که مانع خلطه و آمیزش مستقیم ملل بود، وعدم معرفت کافی ایشان باحوال ممالک بکدیگر و راههای معتبر و مال التجاره های نفیس، نمیگذاشت مردم ممالک مختلفه آسیا باهم ارتباط مستقیم حاصل کنند مخصوصاً قوم تاتار که بر اثر بدوی بودن و احتیاج بجلب مال التجاره ها و امتعه گرا بهای ممالک متمدنه در باز نگاهداشتن طرق تجارتي از قدیم سعی بلیغ بکار میبردند پس از مغلوب ساختن ممالک آسیای مر کزی و غربی این سیاست دیر بنه را بیشتر تقویت نمودند و چنگیز خان که یکی از منظور های اصلیش در حمله بممالک خوارزمشاهی افتتاح راه تجارتي بین مغواستان و آسیای غربی بود برای دایر نگاهداشتن راههای کاروایی و حفظ امن و رعایت حال تجار و کارواییان در یاسای خود مواد مخصوص گنجانده بود و فرندان و جوانمندان او نیز همه در رعایت این اصل نهایت جهد را بکار میبردند.

تشکیل دولت واحد مغول در آسیا و مربوط شدن قراقروم و خابالیغ بابلاد ماوراء النهر و خراسان و تبریز و بغداد و سلطنته نه تنها رفت و آمد قوافل بین دو مملکت متمدن قدیم چین و ایران را ممکن و راههای تجارتي میانه این دو قسمت



مسجد جامع مرند از بناهای ابوسعید بهادر خان (مقابل صفحه ۵۶۶)

از آسیا را دایر کرد بلکه بر اثر سیاست بین المللی ایلخانان ایران در افتتاح روابط با پایها و سلاطین عیسوی اروپا و لشکر کشی بشام و مصر بتدریج ارتباط مهمی بین مصر و شام و اروپا با آسیای مرکزی و شرقی که تا آن تاریخ بکلی بر سکنه قسمت غربی عالم مجهول مانده بود برقرار کرد و متعاقباً مسافرتهای یلان کارپینو و گتیوم دوروبروکی بقره اقروم و برادران مارکوپولوبچین و یزدنن بایران و آسیای شرقی و سفرها و مبلغین دیگر عیسوی آسیای مرکزی و شرقی در اروپا معروف گردید و در حقیقت این مأمورین و مسافرین آسیا را برای هموطنان خود مکشوف ساختند و اطلاعات بسیار دریاب تمدن و آبادی و راهها و تجارت و امتعه نفیسه این قسمت از دنیا در اروپا انتشار دادند.

انتشار این معلومات در قطعه اروپا مقارن بود با دوره بسط اقتدار تجارتهی بنادر ممالک شمالی دریای مدیترانه مخصوصاً دو بندر مهم و نیز وژن و ککه در این تاریخ صاحب تجارتی عظیم در این دریا بودند و کشتیهای تجار آن دو بندر بین غالب بنادر مصر و شام رفت و آمد میکردند و قسمت اعظم مال التجاره های عزیز ممالک اسلامی را در این بنادر خریده برای فروش بارویا میبردند.

تجار و نیزی بشر حیکه در تاریخ اروپا مسطور است در نیمه اول قرن سیزدهم میلادی بر شهر قسطنطنیه استیلا پیدا کردند و قریب نیم قرن در آن مرکز مهم مستولی مانده کلید تجارت اروپای شرقی و مدیترانه و آسیای غربی را در دست خود گرفتند و از آن شهر از یکطرف با روسیه جنوبی و شرقی و ممالک خوارزمشاهی قدیم و ماوراء بحیره خوارزم و از طرفی دیگر با اراضی متعلقه بممالیک مصر و شام تجارت میکردند.

تجار و نیزی از راه دریای سیاه با مغولانی که در دشت قبچاق و خانات بلغار و باشقرد و کرمد مستقر شده بودند داخل تجارت شدند و از ایشان غنایمی را که از غارت ممالک مغاوبه بدست آورده بودند میخریدند و در عوض آنچه را که محتاج الیهای ایشان بود بآن قوم میفروختند.

امتعه مهمی که در این تاریخ بدست تجار و نیزی از ممالک فوق بارویا حمل میشد عبارت بود از چوب و کتان و زفت (جهت کشتیها) و نمک و عسل و موم و پوست

و ماهی و گوشت قدید و غلات روسیه جنوبی و یکی از تجارت‌های مهمی صیغه بدست مردم ونیزی انجام میگرفت معامله برده بود چه این مردم مثل تجار فنیقی قدیم از ممالک مغول و اسلاو و گرجستان اطفال و زنان را بمبالغی جزئی میخریدند و با وجود قدغن اکید پای آنها را بممالک اسلامی مصر و ایشام آورده میفروختند مخصوصاً سلاطین ممالک مصر که خود نیز ابتدا از همین غلامان و بردگان بودند عمال مخصوص داشتند که از تجار ونیزی برده و مملوک بخرند و ایشانرا بمصر آورده بجای فلاحان مصری بکارهای زراعتی یا اعمال دیگر وادارند و کثرت عدد ممالک در مصر در آخر قرون وسطی بهمین علت بوده است .

در این دوره خوارزم (خیوه) یکی از مهمترین مراکز کاروانی و داد و ستد بوده چه قوافل چینی و مغولی مال التجاره خود را از آسیای مرکزی و شرقی باین شهر می آوردند و آنها را در آنجا بکاروانیان دیگر میفروختند . این کاروانیان از خوارزم بعزم بلاد سواحل نهر اهل (ولگا) حرکت میکردند و امتعه آسیای مرکزی و چین و هند را بشهرهای بلغار (در جنوب‌غازان حالیه) و سرای و هشتر خان یا شبه جزیره قرم (کریمه) آورده آنها را در آن نواحی باسکنه یا تجار ونیزی معامله می نمودند .

طرق تجارتی عمده

بر اثر ایجاد دولت واحد مغول و امنیت راهها و اجرای باسای سخت‌چنگیزی در رعایت حال قوافل و بازرگانان و دایر نگاهداشتن طرق ، راه بڑی اروپا بدومملکت پراسرار چین و هند که از قدیم بکثرت ثروت و نفاست امتعه و گرانی احجار کریمه و غیره شهرت یافته بودند باز شد ، راه چین از طریق روسیه و راه هند از طریق ایران .
تجار ژنی در آخر قرن سیزدهم میلادی از خان دشت قبچاق یعنی روسیه جنوبی اجازه گرفتند که در بندر گانا (۱) از بنادر ساحلی شبه جزیره قرم (کریمه) دارالتجارهای داشته باشند و کمی بعد تجار ونیزی بتحصیل این اجازه نایل آمدند و چیزی طول نکشید که اهالی ژن و ونیز در بنادر دیگر ساحل دریاه سیاه مخصوصاً در دو محل نانا (۲) یعنی بندر آزوف و بوسفور و (۳) نیز صاحب تأسیسات تجارتی شدند و از این

(۱) Calla (۲) Tana (۳) Bosphoro در محل کج Herteli حاله

میان تجار ژنی اداره خاصی بنام اداره کریمه برای ترویج تجارت و سهولت کار داد و ستد در روسیه جنوبی و از طریق روسیه با مشرق تأسیس کردند و از همین راه محصولات روسیه از قبیل پوست و چرم و گوشت و ماهی و غلات را بتوسط شط و لگا و ابریشم چین را از راه صحرای گبی و بیش بالیغ و المالیغ و اترار و خوارزم و سرای و هشرخان بنادر دریای آزوف و سیاه می آوردند.

راههای عمده بین چین و هند و بنادر دریای آزوف و سیاه سه بود:

۱ - راه چین یعنی قسمتی از راه بزرگی که بمناسبت تجارت ابریشم چین از این طریق آنرا «راه ابریشم» میگفتند.

این راه از ولایت توان هوانگ (۱) در چین بولایت کان سو (۲) می آمد و از آنجا داخل ترکستان شرقی حالیه شده از طریق بیش بالیغ و المالیغ و اترار بسمرقند و بخارا میرسید. در بخارا قسمت اصلی آن از راه مرو و گرگان بری می آمد و از ری به قزوین و زنجان و تبریز و ایروان میرفت و از ایروان یا بطرابوزان و یا بیکی از بنادر شام منتهی میگردد. قسمت فرعی این راه از سمرقند بخوارزم و از خوارزم بسرای و هشرخان و از آنجا بکنار شط دن و بنادر دریای آرف آنها می یافت.

۲ - راه هند و سند از طریق پیدشاور و کابل و بلخ و خوارزم بسرای و هشرخان و بنادر و دارالتجاره های تجار ژنی و ونیزی.

۳ - راه بحری هند ببنادر هرموز و از طریق خشکی از هرموز بکرمان و گرگان و خوارزم که در این محل اخیر برای فوق متصل میگردد.

تجار ژنی و ونیزی تا اتمام استیلای امیر تیمور گورکان بر روسیه در بنادر شبه جزیره قرم دارای استیلای اقتصادی کامل بودند و عمده تجارت ابریشم چین و ادویه هند از این راه در دست ایشان بود و در اواسط نیمه قرن چهاردهم میلادی که بین جانی بیگ خان دشت قبیچاق و تجار ایتالیائی بهم خورد و جانی بیگ دو بندر تانا و کافارا از ایشان گرفت قیمت ابریشم و ادویه در اروپا مضاعف شد و این حال تا موقعی که بار دیگر بین خان و تجار مزبور صلح برقرار گردید باقی بود و این بار تجار ژنی و ونیزی برای تلافی مافات جد و جهد خود را دو برابر کردند.

اما طرق تجارنی بین المللی ایران بمناسبت اقامت ایلیخانان در آذربایجان و مرکز قرار دادن آنجا همه منتهی باین قسمت میشد مخصوصاً که آذربایجان بر سر راههای عمده دشت قباچاق و خوارزم و ایران و عراق و دریای مدیترانه قرار داشت و در عهد مغول از موقعی که تبریز پای تخت ایلیخانان شده این شهر بزرگترین مرکز تجارنی ایران بلکه از مهمترین دارالتجاره های دنیای آن زمان گردیده است و حکم بغداد را در عهد خلفای عباسی بهم رسانده .

در ایام ایلیخانان عموم راههای کاروانی شرق اقصی و هند و دریای مدیترانه و دشت قباچاق و ایران و عراق بشهر تبریز منتهی میگردد و اقسام مال التجاره های این نواحی بآن شهر وارد و در آنجا داد و ستد میشد .

تبریز از سه طریق با خلیج فارس مربوط بود :

۱ - راه بصره و بغداد که از معابر جبال کردستان گذشتند بمرآغه می آمد و از مرآغه بپایتخت میرسید .

۲ - راه بندر سیراف (بندر ظاهری حالیه) بشهر شیراز و اصفهان و کاشان و قم و ری و قزوین .

۳ - راه هرموز و کرمان و یزد و کاشان که در این محل اخیراً براه دوم متصل می شد .

علاوه بر این سه راه تبریز چنانکه در فوق گذشت بر سر جاده اصلی ابریشم قرار داشت و از طریق اردبیل و جلغا و خوی با جمیع بلاد آشتاسفی و هوقان و آران نیز مربوط بود .

تبریز با ممالک عیسوی از دو طریق ارتباط داشت :

۱ - راه ارمنستان کبیر از طریق خوی و مناظرگرد و ارزنة الروم بطرابوزان که در این تاریخ از دارالتجاره های مهم تجارونی بود .

۲ - راه ارمنستان صغیر از طریق معابر جبال کردستان یا از طریق ارزنة الروم و سیواس و یا از طریق وان و دیار بکر که بالاخره در ساحل خلیج اسکندرون به بندر لازاز^(۱) از بنادر ارمنستان صغیر و از بازار های تجارنی عمده و مرکز معامله

تجّار ایتالیائی و فرانسیسی و اسپانیائی میرسید : تجارت

در نتیجه آبادی و امنیت راههای فوق و دقت ایلیخانان در دایر و مأمون نگاه داشتن آنها ممالک ایلیخانی مخصوصاً از دوره غازان خان بعد مرکز تجارت و داد و ستد مهمی گردید و تبریز بهخصوص بزرگترین بازار معامله بین شرق و غرب شد چه اغلب راههای بزرگ بمناسبت اهمیت موقع و پای تخت بودن آن شهر بدانجا آنها می یافت .

چنانکه از مطالعه مسافرت نامه های مسلمین و تجّار و مأمورین فرنگی بر می آید تبریز در این تاریخ بازار معامله ادویه مالزی و مروارید و یاقوت سیلان و مالایار و الماس و زمرد هند و شال کشمیر و فرشهای ماوراء النهر و لعل بدخشان و فیروزه نیشابور و اطلس و پارچه های زربفت مرو و طوس و شوشتر و موصل و یزد و کرمان و کلاب و عطریات شیراز و اصفهان و اقسام اسلحه منقوره گرجستان و شام بوده بعلاوه هنرمندان تبریزی خود نیز در ساختن پارچه های قیمتی و فرشهای عالی و منسوجات ابریشمی مهارت داشته و مصنوعات دست خویش را نیز بتجّار خارجی می فروخته اند .

خلاصه تبریز بقدری در آن ایام آباد و معتبر و از لحاظ تجارت و اقتصاد معتبر بوده که از این جهات اول شهر دنیا بشمار میرفته و مسافرین فرنگی از دیدن آن دوچار اعجاب می شده و ادوریک دوپردن که در عصر ابوسعید خان آنجا را دیده می گوید ، « تبریز از جهت اتمعه بهترین شهر عالم است ، این شهر برای ایلیخان ایران از تمام مملکت فرانسه جهت پادشاه آن بیشتر اهمیت دارد » .

ایران در این ادوار چنانکه موقع طبیعی آن اقتضا دارد واسطه تجارت بین مرکز و مشرق آسیا یعنی هندوستان و چین و شرق اقصی و ممالک ساحلی مدیترانه و مصر و اروپا بود . قسمت شرقی این تجارت را تا حدود مغرب ایران تجّار مسلمان در دست داشتند و قسمت غربی یعنی معامله با سکنه سواحل مدیترانه و اروپا با بازرگانان رومی و ونیزی بود .

در موقعی که مارکوپولو به تبریز آمد (سال ۶۹۴ هـ) تجارت خارجی در این شهر در دست تجار ژنی بود بعلاوه جماعتی از این تجار امتیاز کشتی رانی در بحر خزر را نیز برای خود تحصیل کرده بودند و این پیشرفت‌ها برای تجار ژنی از دوراه حاصل شده بود یکی بر اثر داشتن تکیه گاههای تجارتی مهم در سواحل شبه جزیره قرم دیگر در نتیجه عقد اتحاد تجارنی با امیر یونانی بندر طرابوزان در ساحل بحر سیاه. در ابتدای قرن چهاردهم میلادی بشرحی که سابقاً هم اشاره کردیم تجار ونیزی مصمم رقابت با مردم ژن شدند و با اولجایتو و ابوسعیدخان داخل مذاکره و ارتباط گردیدند و بالاخره با ابوسعید خان معاهده ای در این زمینه بستند.

معاهده تجارتی بین تجار ونیزی و ابوسعید خان در سال ۷۲۰ باعضا رسید و ابوسعید خان سفیر ونیز اجازه داد که تجار همشهری او با کمال آزادی در ایران مسافرت و تجارت کنند و از پرداخت جمیع انواع مالیات جز حقوق گمرکی معاف باشند، بعلاوه بمأمورین کشوری قلمرو خود دستور داد که در صورت مراجعه قنصل ونیز از هر گونه مساعدت و کمک نظامی بتجار یا قوافل ونیزی مضایقه ننمایند و ایشان را بهیچ اسم و رسم در راهها توقیف یا معطل نکنند و در موارد لزوم از همراه ساختن بدرقه و محافظ با آن جماعت خود داری نداشته باشند.

در سال ۷۲۴ يك نفر قنصل از جانب جمهوری ونیز بشهر تبریز آمد و تجار ونیزی بتدریج در ممالک ایلخانی بتأسیس دارالتجاره ها در این شهر مشغول شدند و بقدری اعتبار و تعداد این گونه مراکز و مؤسسات در تبریز اهمیت بهم رساند که در سال ۷۲۸ جمهوری ونیز يك نفر مقرر مخصوص بشهر تبریز فرستاد تا احوال آن مؤسسات را بدقت تحت نظر تفشیش بگیرد.

استقرار تجار ایتالیائی در ایران و باز شدن راه تجارت بین مغرب زمین و مشرق از طریق بحر سیاه و آذربایجان کاملاً بنفع اروپائیان تمام شد و بعلمت سهل شدن کار معامله و کوتاه شدن راه تجارت روز بروز رونق و اعتبار آن افزایش یافت چه قبل از این تاریخ بازرگانان اروپائی مجبور بودند که برای خرید امتعه نفیسه هندوستان و چین و شرق اقصی بنادر مصر و شام که تحت تصرف ممالیک بود

مراجعه کنند و اسکندریه مصر قبل از افتتاح راه ایران مرکز عمده فروش اتمعه شرق بود.

تجّار فرنگی که پس از رانده شدن عیسویان از شام بدست ممالیک با رعایای ایشان روابط خوشی نداشتند خواهی نخواهی با اسکندریه میرفتند و اتمعه شرق مثلاً ادویه هند را از تجّار مسلمان در آنجا می خریدند و پس از پرداخت حقوق گمرکی آن مال التجاره ها را که در حدود سه برابر از قیمت حقیقی گران تر تمام می شد برای فروش با رویا می آوردند.

صلیبیون اروپائی بر اثر طول اقامت در ممالک شام و مصر در آیام جنگهای صلیبی باستعمال بسیاری از محصولات مشرق مخصوصاً قهوه و ادویه عادت پیدا کرده بودند و بهر قیمت که میشد در تحصیل آنها میکوشیدند و بهمین علت اجناس مزبور در اروپا طالب و خریدار بسیار داشت. تجّار نفع پرست و نیزی و ژنی نیز با وجود تأدیة حقوقهای گراف و بد معاملگی و سوء سیرت مسلمین رعیت ممالیک باز بینادر مصر و شام می رفتند و بهر شکل بود با تحمّل هر گونه خواری و پرداخت هر قسم مخارج سالیانه مقداری از اتمعه مذکوره را خریده با رویا حمل میکردند.

ایلخانان مسلمانان ایران که در جمیع موارد با ممالیک رقابت داشتند بتشویق تجّار ایتالیائی در این میدان نیز داخل رقابت با سلاطین مصر و شام شدند و بر اثر جلب تجّار و نیزی و ژنی و تشویق ایشان و تأمین راهها تجارت شرق را از اسکندریه برگردانده تبریز را در این مقام جا نشین آن کردند و حقوق گمرکی را علی رغم ممالیک تخفیف کئی دادند، بعلاوه در حسن سلوک با تجّار خارجی کوشیدند و جمیع مراکز و راهها را بر ایشان مفتوح گذاشتند و در این زمینه نیز سیاست اقتصادی عاقلانه ای که مثل ترتیب اداره و مملکت رانی ایشان قابل هر گونه ستایش است پیش گرفتند و در نتیجه آن ایران را دهلیز تجارتی بین ممالک اطراف مدیترانه و ممالک مرکزی و شرقی آسیا کردند.

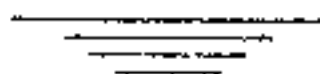
ارغون خان باسقف عیسوی سلطانیّه پیشنهاد نمود که در ساحل خلیج فارس بندری ایجاد کند تا جمیع معاملات هند را بآن نقطه متوجه سازد، بعلاوه بخمال

داشت که در بحر عمان يك دسته چهارات مجهز ترتیب دهد تا راه بحر احمر را در بندر عدن و مدخل باب المندب بر روی کشتیهای تجّار شرقی بسته آنها را بلنگر انداختن در سواحل خلیج فارس مجبور سازند *

زحمات ایلخانان در افتتاح اقصی راه تجارتمی بین مشرق و مغرب یعنی راه طرابوزان کاملاً مؤثر افتاد. ایران از این تاریخ با اروپا که تازه شروع بیدار شدن کرده بود ارتباط حاصل کرد و تا سلطنت ایلخانان باقی و راهها امن بود دائماً قوافل در رفت و آمد بودند و تجارت رونقی بسزا داشت ولی همینکه ابو سعید خان مرد و ایران مخصوصاً آذربایجان دوچار انقلاب و ناامنی شد راههای تجارتمی مسدود گردید و تجّار طرفین از این بابت سخت در زحمت و نگرانی افتادند و همواره مترصد آن بودند که وقتی باز این راه بحال امن و فراغت اوّل عودت کنند چنانکه در عهد سلطان اویس ایلکانی همینکه مختصر انتظامی در کار آذربایجان پیش آمد این سلطان و تجّار ونیزی و امیر طرابوزان در اعاده رونق راه قدیم تبریز بطرابوزان سعی کردند و از ونیزی ها نیز عده ای بتجارت آمدند ولی کمی بعد معلوم شد که هنوز آن امنیتی که بکار تجارت و بدرد سیر قوافل بازرگانی بخورد بر راه قدیم حاکم نشده است.

در عهد تیموریان و زمان صفویه باز راه فوق منظوم نظر قرار گرفت و در ایام صفویان بمنتهای اعتبار و رونق خود رسید ولی بدبختانه عامل خارجی دیگری که میتوان آنرا یکی از بزرگترین علل بدبختی ایران جسیدید مقارن شروع نهضت اروپا شعرد در اوضاع دخیل شده راه مزبور را بست و آن استیلای ترکان عثمانی بود بر جمیع سواحل شرقی مدیترانه و مدخل تجارتمی شام و مصر و این امر چنانکه در تاریخ جدید باید دید و ما نیز بعدها بآن اشاره خواهیم کرد تجّار ایتالیائی و اسپانیائی را پس از بسته شدن راههای تجارت قدیم با شرق ب فکر یافتن راههای دیگری انداخت و این فکر بالاخره منتهی بکشف راه جنوب افریقا و پیدا شدن قاره امریکا گردید و بین ایران و اروپا در قرون جدید که با قدم های سریع بطرف ترقی پیش می تاخت سنی سدید شد و راه ارتباط بین مملکت ما و اروپای متمدن بکلی مسدود

گشت و ایران که از عهد ایلخانان تا اواخر صفویه در سیاست بین المللی و اقتصاد عالم دخالت مستقیم داشت بتدریج در حصارى که ترکان عثمانی و دولت تزارى روسیه در اطراف آن کشیدند محصور و منفرد ماند و روز بروز بر مراتب تنزل و بی خیر ماندن مردم آن از اوضاع دنیای جدید متمدن افزوده گردید تا آنکه در قرن نوزدهم میلادی حفر ترعه سوئیس و رقابت سیاسى بین انگلیس و روسیه در آسیای مرکزی این حالت را ناگوارتر کرد و این جمله را که علل حقیقی تنزل ایران است درست در موقعی که اروپا داخل در جاده ترقی شده ما در فصول بعد بدقت مورد مطالعه قرار خواهیم داد.



ابوبكر خليفه (٥٣٤، ٣١٧)	ابن الحاجب (٥١١، ٥٠٥)
ابوبكر، پسر مستعصم (١٨٥، ١٨٠، ١٨٦)	ابن الجوزي، ابوالفرج جمال الدين عبدالرحمن (١٨٦، ٥٣٩)
ابوبكر بن سعد، اتابك (١٠٨، ١٨١، ١٩٠، ٣٨٤)	ابن الجوزي، شرف الدين عبدالله (١٨١، ٥٣٩)
٣٨٥، ٣٨٦، ٣٨٧، ٣٨٩، ٣٩٢، ٤٠٠، ٥١٩	ابن الجوزي، محيي الدين يوسف (١٨١، ٥٣٩)
٥٣٢، ٥٣٧، ٥٣٩، ٥٤٠، ٥٤١	ابن الجوزي، تاج الدين عبدالكريم (٥٣٩)
ابوبكر بن غياث الدين حاجي (٤١٢)	ابن خلكان (١٠٤، ٤٨١)
ابوبكر بن محمد، شرف الدين (٤٤٩، ٤٥٢)	ابن سيناء، ابوعلی (٤٠١، ٤٩٨، ٥٠١، ٥٠٣)
ابوبكر بن محمد، بدر الدين (٤١٤)	٥١٣، ٥٢٦
ابوبكر سيدك (٣٧٥)	ابن صوما (Bar Soma) (٢٠٤)
ابو حرب (٤٠١)	ابن الطقطقي (١٧٢، ١٨٦، ١٨٧، ٤٩٢، ٥٢٦)
ابو حنيفه (٥٤)	ابن العبري (ابو الفرج غريغوريوس بن اهرود) (٤٩١)
ابوالخير بن عالي همداني (٣٢٨)	ابن العربي، محيي الدين (٥١٤، ٥٣٨، ٥٤٧)
ابوريجان بيروني (٥٠١)	ابن العلقمي، مؤيد الدين محمد (١٧٨، ١٧٩)
ابوسعيد ابي الخير (٥٠٤)	١٨٩، ١٨٢، ١٨٥، ١٨٦، ١٨٧، ١٨٨، ٤٨٢، ٥٠٩
ابوسعيد بن پير احمد (٤٤٨)	ابن الفوطي، كمال الدين عبدالرزاق (٤٩٢)
ابوسعيد خان: سلطان (٢٨٢، ٣١١، ٣٢١)	ابن كنفرج بغرا (٢٣)
٣٢٢، ٣٢٤، ٣٢٧، ٣٢٨، ٣٢٩، ٣٣٠، ٣٣١، ٣٣٢	ابن يمين، امير محمود بن امير يمين الدين طغرائي (٤٧١، ٥٤٩)
٣٣٢، ٣٣٣، ٣٣٤، ٣٣٥، ٣٣٦، ٣٣٧، ٣٣٨	ابواسحاق، سلطان (٤٣٨، ٤٣٩، ٤٤٠، ٤٤١)
٣٣٩، ٣٤٠، ٣٤١، ٣٤٢، ٣٤٣، ٣٤٤، ٣٤٥	ابواسحاق، امير شيخ (٣٥٠، ٣٥٢، ٣٥٣، ٣٦٥)
٣٤٦، ٣٤٧، ٣٤٨، ٣٤٩، ٣٥٠، ٣٥١، ٣٥٢، ٣٥٣	٤١٤، ٤١٧، ٤١٨، ٤١٩، ٤٢٠، ٤٢١، ٤٢٢، ٤٢٣
٣٥٤، ٣٥٧، ٣٥٨، ٣٥٩، ٣٦٠، ٣٦١، ٣٦٢، ٣٦٣، ٣٦٤، ٣٦٥، ٣٦٦، ٣٦٧، ٣٦٨، ٣٦٩	٥٠٩، ٥١٠، ٥١١، ٥١٢، ٥١٣، ٥١٤، ٥١٥، ٥١٦، ٥١٧، ٥١٨، ٥١٩، ٥٢٠، ٥٢١، ٥٢٢
٣٧٠، ٣٧١، ٣٧٢، ٣٧٣، ٣٧٤، ٣٧٥، ٣٧٦، ٣٧٧، ٣٧٨، ٣٧٩	٥٢٣، ٥٢٤، ٥٢٥، ٥٢٦، ٥٢٧، ٥٢٨، ٥٢٩، ٥٣٠، ٥٣١، ٥٣٢، ٥٣٣، ٥٣٤، ٥٣٥، ٥٣٦، ٥٣٧، ٥٣٨، ٥٣٩، ٥٤٠، ٥٤١، ٥٤٢، ٥٤٣، ٥٤٤، ٥٤٥، ٥٤٦، ٥٤٧، ٥٤٨، ٥٤٩، ٥٥٠، ٥٥١، ٥٥٢، ٥٥٣، ٥٥٤، ٥٥٥، ٥٥٦، ٥٥٧، ٥٥٨، ٥٥٩، ٥٦٠، ٥٦١، ٥٦٢، ٥٦٣، ٥٦٤، ٥٦٥، ٥٦٦، ٥٦٧، ٥٦٨، ٥٦٩، ٥٧٠، ٥٧١، ٥٧٢، ٥٧٣، ٥٧٤، ٥٧٥
٥٦٠، ٥٦١، ٥٦٢، ٥٦٣، ٥٦٤، ٥٦٥، ٥٦٦، ٥٦٧، ٥٦٨، ٥٦٩، ٥٧٠، ٥٧١، ٥٧٢، ٥٧٣، ٥٧٤، ٥٧٥	٥٢٠، ٥٤٨، ٥٤٩، ٥٥٢، ٥٥٣
٥٧٤، ٥٧٥، ٥٧٦، ٥٧٧، ٥٧٨، ٥٧٩، ٥٨٠، ٥٨١، ٥٨٢، ٥٨٣، ٥٨٤، ٥٨٥، ٥٨٦، ٥٨٧، ٥٨٨، ٥٨٩، ٥٩٠، ٥٩١، ٥٩٢، ٥٩٣، ٥٩٤، ٥٩٥، ٥٩٦، ٥٩٧، ٥٩٨، ٥٩٩، ٦٠٠، ٦٠١، ٦٠٢، ٦٠٣، ٦٠٤، ٦٠٥، ٦٠٦، ٦٠٧، ٦٠٨، ٦٠٩، ٦١٠، ٦١١، ٦١٢، ٦١٣، ٦١٤، ٦١٥، ٦١٦، ٦١٧، ٦١٨، ٦١٩، ٦٢٠، ٦٢١، ٦٢٢، ٦٢٣، ٦٢٤، ٦٢٥، ٦٢٦، ٦٢٧، ٦٢٨، ٦٢٩، ٦٣٠، ٦٣١، ٦٣٢، ٦٣٣، ٦٣٤، ٦٣٥، ٦٣٦، ٦٣٧، ٦٣٨، ٦٣٩، ٦٤٠، ٦٤١، ٦٤٢، ٦٤٣، ٦٤٤، ٦٤٥، ٦٤٦، ٦٤٧، ٦٤٨، ٦٤٩، ٦٥٠، ٦٥١، ٦٥٢، ٦٥٣، ٦٥٤، ٦٥٥، ٦٥٦، ٦٥٧، ٦٥٨، ٦٥٩، ٦٦٠، ٦٦١، ٦٦٢، ٦٦٣، ٦٦٤، ٦٦٥، ٦٦٦، ٦٦٧، ٦٦٨، ٦٦٩، ٦٧٠، ٦٧١، ٦٧٢، ٦٧٣، ٦٧٤، ٦٧٥، ٦٧٦، ٦٧٧، ٦٧٨، ٦٧٩، ٦٨٠، ٦٨١، ٦٨٢، ٦٨٣، ٦٨٤، ٦٨٥، ٦٨٦، ٦٨٧، ٦٨٨، ٦٨٩، ٦٩٠، ٦٩١، ٦٩٢، ٦٩٣، ٦٩٤، ٦٩٥، ٦٩٦، ٦٩٧، ٦٩٨، ٦٩٩، ٧٠٠، ٧٠١، ٧٠٢، ٧٠٣، ٧٠٤، ٧٠٥، ٧٠٦، ٧٠٧، ٧٠٨، ٧٠٩، ٧١٠، ٧١١، ٧١٢، ٧١٣، ٧١٤، ٧١٥، ٧١٦، ٧١٧، ٧١٨، ٧١٩، ٧٢٠، ٧٢١، ٧٢٢، ٧٢٣، ٧٢٤، ٧٢٥، ٧٢٦، ٧٢٧، ٧٢٨، ٧٢٩، ٧٣٠، ٧٣١، ٧٣٢، ٧٣٣، ٧٣٤، ٧٣٥، ٧٣٦، ٧٣٧، ٧٣٨، ٧٣٩، ٧٤٠، ٧٤١، ٧٤٢، ٧٤٣، ٧٤٤، ٧٤٥، ٧٤٦، ٧٤٧، ٧٤٨، ٧٤٩، ٧٥٠، ٧٥١، ٧٥٢، ٧٥٣، ٧٥٤، ٧٥٥، ٧٥٦، ٧٥٧، ٧٥٨، ٧٥٩، ٧٦٠، ٧٦١، ٧٦٢، ٧٦٣، ٧٦٤، ٧٦٥، ٧٦٦، ٧٦٧، ٧٦٨، ٧٦٩، ٧٧٠، ٧٧١، ٧٧٢، ٧٧٣، ٧٧٤، ٧٧٥، ٧٧٦، ٧٧٧، ٧٧٨، ٧٧٩، ٧٨٠، ٧٨١، ٧٨٢، ٧٨٣، ٧٨٤، ٧٨٥، ٧٨٦، ٧٨٧، ٧٨٨، ٧٨٩، ٧٩٠، ٧٩١، ٧٩٢، ٧٩٣، ٧٩٤، ٧٩٥، ٧٩٦، ٧٩٧، ٧٩٨، ٧٩٩، ٨٠٠، ٨٠١، ٨٠٢، ٨٠٣، ٨٠٤، ٨٠٥، ٨٠٦، ٨٠٧، ٨٠٨، ٨٠٩، ٨١٠، ٨١١، ٨١٢، ٨١٣، ٨١٤، ٨١٥، ٨١٦، ٨١٧، ٨١٨، ٨١٩، ٨٢٠، ٨٢١، ٨٢٢، ٨٢٣، ٨٢٤، ٨٢٥، ٨٢٦، ٨٢٧، ٨٢٨، ٨٢٩، ٨٣٠، ٨٣١، ٨٣٢، ٨٣٣، ٨٣٤، ٨٣٥، ٨٣٦، ٨٣٧، ٨٣٨، ٨٣٩، ٨٤٠، ٨٤١، ٨٤٢، ٨٤٣، ٨٤٤، ٨٤٥، ٨٤٦، ٨٤٧، ٨٤٨، ٨٤٩، ٨٥٠، ٨٥١، ٨٥٢، ٨٥٣، ٨٥٤، ٨٥٥، ٨٥٦، ٨٥٧، ٨٥٨، ٨٥٩، ٨٦٠، ٨٦١، ٨٦٢، ٨٦٣، ٨٦٤، ٨٦٥، ٨٦٦، ٨٦٧، ٨٦٨، ٨٦٩، ٨٧٠، ٨٧١، ٨٧٢، ٨٧٣، ٨٧٤، ٨٧٥، ٨٧٦، ٨٧٧، ٨٧٨، ٨٧٩، ٨٨٠، ٨٨١، ٨٨٢، ٨٨٣، ٨٨٤، ٨٨٥، ٨٨٦، ٨٨٧، ٨٨٨، ٨٨٩، ٨٩٠، ٨٩١، ٨٩٢، ٨٩٣، ٨٩٤، ٨٩٥، ٨٩٦، ٨٩٧، ٨٩٨، ٨٩٩، ٩٠٠، ٩٠١، ٩٠٢، ٩٠٣، ٩٠٤، ٩٠٥، ٩٠٦، ٩٠٧، ٩٠٨، ٩٠٩، ٩١٠، ٩١١، ٩١٢، ٩١٣، ٩١٤، ٩١٥، ٩١٦، ٩١٧، ٩١٨، ٩١٩، ٩٢٠، ٩٢١، ٩٢٢، ٩٢٣، ٩٢٤، ٩٢٥، ٩٢٦، ٩٢٧، ٩٢٨، ٩٢٩، ٩٣٠، ٩٣١، ٩٣٢، ٩٣٣، ٩٣٤، ٩٣٥، ٩٣٦، ٩٣٧، ٩٣٨، ٩٣٩، ٩٤٠، ٩٤١، ٩٤٢، ٩٤٣، ٩٤٤، ٩٤٥، ٩٤٦، ٩٤٧، ٩٤٨، ٩٤٩، ٩٥٠، ٩٥١، ٩٥٢، ٩٥٣، ٩٥٤، ٩٥٥، ٩٥٦، ٩٥٧، ٩٥٨، ٩٥٩، ٩٦٠، ٩٦١، ٩٦٢، ٩٦٣، ٩٦٤، ٩٦٥، ٩٦٦، ٩٦٧، ٩٦٨، ٩٦٩، ٩٧٠، ٩٧١، ٩٧٢، ٩٧٣، ٩٧٤، ٩٧٥، ٩٧٦، ٩٧٧، ٩٧٨، ٩٧٩، ٩٨٠، ٩٨١، ٩٨٢، ٩٨٣، ٩٨٤، ٩٨٥، ٩٨٦، ٩٨٧، ٩٨٨، ٩٨٩، ٩٩٠، ٩٩١، ٩٩٢، ٩٩٣، ٩٩٤، ٩٩٥، ٩٩٦، ٩٩٧، ٩٩٨، ٩٩٩، ١٠٠٠، ١٠٠١، ١٠٠٢، ١٠٠٣، ١٠٠٤، ١٠٠٥، ١٠٠٦، ١٠٠٧، ١٠٠٨، ١٠٠٩، ١٠١٠، ١٠١١، ١٠١٢، ١٠١٣، ١٠١٤، ١٠١٥، ١٠١٦، ١٠١٧، ١٠١٨، ١٠١٩، ١٠٢٠، ١٠٢١، ١٠٢٢، ١٠٢٣، ١٠٢٤، ١٠٢٥، ١٠٢٦، ١٠٢٧، ١٠٢٨، ١٠٢٩، ١٠٣٠، ١٠٣١، ١٠٣٢، ١٠٣٣، ١٠٣٤، ١٠٣٥، ١٠٣٦، ١٠٣٧، ١٠٣٨، ١٠٣٩، ١٠٤٠، ١٠٤١، ١٠٤٢، ١٠٤٣، ١٠٤٤، ١٠٤٥، ١٠٤٦، ١٠٤٧، ١٠٤٨، ١٠٤٩، ١٠٥٠، ١٠٥١، ١٠٥٢، ١٠٥٣، ١٠٥٤، ١٠٥٥، ١٠٥٦، ١٠٥٧، ١٠٥٨، ١٠٥٩، ١٠٦٠، ١٠٦١، ١٠٦٢، ١٠٦٣، ١٠٦٤، ١٠٦٥، ١٠٦٦، ١٠٦٧، ١٠٦٨، ١٠٦٩، ١٠٧٠، ١٠٧١، ١٠٧٢، ١٠٧٣، ١٠٧٤، ١٠٧٥، ١٠٧٦، ١٠٧٧، ١٠٧٨، ١٠٧٩، ١٠٨٠، ١٠٨١، ١٠٨٢، ١٠٨٣، ١٠٨٤، ١٠٨٥، ١٠٨٦، ١٠٨٧، ١٠٨٨، ١٠٨٩، ١٠٩٠، ١٠٩١، ١٠٩٢، ١٠٩٣، ١٠٩٤، ١٠٩٥، ١٠٩٦، ١٠٩٧، ١٠٩٨، ١٠٩٩، ١١٠٠، ١١٠١، ١١٠٢، ١١٠٣، ١١٠٤، ١١٠٥، ١١٠٦، ١١٠٧، ١١٠٨، ١١٠٩، ١١١٠، ١١١١، ١١١٢، ١١١٣، ١١١٤، ١١١٥، ١١١٦، ١١١٧، ١١١٨، ١١١٩، ١١٢٠، ١١٢١، ١١٢٢، ١١٢٣، ١١٢٤، ١١٢٥، ١١٢٦، ١١٢٧، ١١٢٨، ١١٢٩، ١١٣٠، ١١٣١، ١١٣٢، ١١٣٣، ١١٣٤، ١١٣٥، ١١٣٦، ١١٣٧، ١١٣٨، ١١٣٩، ١١٤٠، ١١٤١، ١١٤٢، ١١٤٣، ١١٤٤، ١١٤٥، ١١٤٦، ١١٤٧، ١١٤٨، ١١٤٩، ١١٥٠، ١١٥١، ١١٥٢، ١١٥٣، ١١٥٤، ١١٥٥، ١١٥٦، ١١٥٧، ١١٥٨، ١١٥٩، ١١٦٠، ١١٦١، ١١٦٢، ١١٦٣، ١١٦٤، ١١٦٥، ١١٦٦، ١١٦٧، ١١٦٨، ١١٦٩، ١١٧٠، ١١٧١، ١١٧٢، ١١٧٣، ١١٧٤، ١١٧٥، ١١٧٦، ١١٧٧، ١١٧٨، ١١٧٩، ١١٨٠، ١١٨١، ١١٨٢، ١١٨٣، ١١٨٤، ١١٨٥، ١١٨٦، ١١٨٧، ١١٨٨، ١١٨٩، ١١٩٠، ١١٩١، ١١٩٢، ١١٩٣، ١١٩٤، ١١٩٥، ١١٩٦، ١١٩٧، ١١٩٨، ١١٩٩، ١٢٠٠، ١٢٠١، ١٢٠٢، ١٢٠٣، ١٢٠٤، ١٢٠٥، ١٢٠٦، ١٢٠٧، ١٢٠٨، ١٢٠٩، ١٢١٠، ١٢١١، ١٢١٢، ١٢١٣، ١٢١٤، ١٢١٥، ١٢١٦، ١٢١٧، ١٢١٨، ١٢١٩، ١٢٢٠، ١٢٢١، ١٢٢٢، ١٢٢٣، ١٢٢٤، ١٢٢٥، ١٢٢٦، ١٢٢٧، ١٢٢٨، ١٢٢٩، ١٢٣٠، ١٢٣١، ١٢٣٢، ١٢٣٣، ١٢٣٤، ١٢٣٥، ١٢٣٦، ١٢٣٧، ١٢٣٨، ١٢٣٩، ١٢٤٠، ١٢٤١، ١٢٤٢، ١٢٤٣، ١٢٤٤، ١٢٤٥، ١٢٤٦، ١٢٤٧، ١٢٤٨، ١٢٤٩، ١٢٥٠، ١٢٥١، ١٢٥٢، ١٢٥٣، ١٢٥٤، ١٢٥٥، ١٢٥٦، ١٢٥٧، ١٢٥٨، ١٢٥٩، ١٢٦٠، ١٢٦١، ١٢٦٢، ١٢٦٣، ١٢٦٤، ١٢٦٥، ١٢٦٦، ١٢٦٧، ١٢٦٨، ١٢٦٩، ١٢٧٠، ١٢٧١، ١٢٧٢، ١٢٧٣، ١٢٧٤، ١٢٧٥، ١٢٧٦، ١٢٧٧، ١٢٧٨، ١٢٧٩، ١٢٨٠، ١٢٨١، ١٢٨٢، ١٢٨٣، ١٢٨٤، ١٢٨٥، ١٢٨٦، ١٢٨٧، ١٢٨٨، ١٢٨٩، ١٢٩٠، ١٢٩١، ١٢٩٢، ١٢٩٣، ١٢٩٤، ١٢٩٥، ١٢٩٦، ١٢٩٧، ١٢٩٨، ١٢٩٩، ١٣٠٠، ١٣٠١، ١٣٠٢، ١٣٠٣، ١٣٠٤، ١٣٠٥، ١٣٠٦، ١٣٠٧، ١٣٠٨، ١٣٠٩، ١٣١٠، ١٣١١، ١٣١٢، ١٣١٣، ١٣١٤، ١٣١٥، ١٣١٦، ١٣١٧، ١٣١٨، ١٣١٩، ١٣٢٠، ١٣٢١، ١٣٢٢، ١٣٢٣، ١٣٢٤، ١٣٢٥، ١٣٢٦، ١٣٢٧، ١٣٢٨، ١٣٢٩، ١٣٣٠، ١٣٣١، ١٣٣٢، ١٣٣٣، ١٣٣٤، ١٣٣٥، ١٣٣٦، ١٣٣٧، ١٣٣٨، ١٣٣٩، ١٣٤٠، ١٣٤١، ١٣٤٢، ١٣٤٣، ١٣٤٤، ١٣٤٥، ١٣٤٦، ١٣٤٧، ١٣٤٨، ١٣٤٩، ١٣٥٠، ١٣٥١، ١٣٥٢، ١٣٥٣، ١٣٥٤، ١٣٥٥، ١٣٥٦، ١٣٥٧، ١٣٥٨، ١٣٥٩، ١٣٦٠، ١٣٦١، ١٣٦٢، ١٣٦٣، ١٣٦٤، ١٣٦٥، ١٣٦٦، ١٣٦٧، ١٣٦٨، ١٣٦٩، ١٣٧٠، ١٣٧١، ١٣٧٢، ١٣٧٣، ١٣٧٤، ١٣٧٥، ١٣٧٦، ١٣٧٧، ١٣٧٨، ١٣٧٩، ١٣٨٠، ١٣٨١، ١٣٨٢، ١٣٨٣، ١٣٨٤، ١٣٨٥، ١٣٨٦، ١٣٨٧، ١٣٨٨، ١٣٨٩، ١٣٩٠، ١٣٩١، ١٣٩٢، ١٣٩٣، ١٣٩٤، ١٣٩٥، ١٣٩٦، ١٣٩٧، ١٣٩٨، ١٣٩٩، ١٤٠٠، ١٤٠١، ١٤٠٢، ١٤٠٣، ١٤٠٤، ١٤٠٥، ١٤٠٦، ١٤٠٧، ١٤٠٨، ١٤٠٩، ١٤١٠، ١٤١١، ١٤١٢، ١٤١٣، ١٤١٤، ١٤١٥، ١٤١٦، ١٤١٧، ١٤١٨، ١٤١٩، ١٤٢٠، ١٤٢١، ١٤٢٢، ١٤٢٣، ١٤٢٤، ١٤٢٥، ١٤٢٦، ١٤٢٧، ١٤٢٨، ١٤٢٩، ١٤٣٠، ١٤٣١، ١٤٣٢، ١٤٣٣، ١٤٣٤، ١٤٣٥، ١٤٣٦، ١٤٣٧، ١٤٣٨، ١٤٣٩، ١٤٤٠، ١٤٤١، ١٤٤٢، ١٤٤٣، ١٤٤٤، ١٤٤٥، ١٤٤٦، ١٤٤٧، ١٤٤٨، ١٤٤٩، ١٤٥٠، ١٤٥١، ١٤٥٢، ١٤٥٣، ١٤٥٤، ١٤٥٥، ١٤٥٦، ١٤٥٧، ١٤٥٨، ١٤٥٩، ١٤٦٠، ١٤٦١، ١٤٦٢، ١٤٦٣، ١٤٦٤، ١٤٦٥، ١٤٦٦، ١٤٦٧، ١٤٦٨، ١٤٦٩، ١٤٧٠، ١٤٧١، ١٤٧٢، ١٤٧٣، ١٤٧٤، ١٤٧٥، ١٤٧٦، ١٤٧٧، ١٤٧٨، ١٤٧٩، ١٤٨٠، ١٤٨١، ١٤٨٢، ١٤٨٣، ١٤٨٤، ١٤٨٥، ١٤٨٦، ١٤٨٧، ١٤٨٨، ١٤٨٩، ١٤٩٠، ١٤٩١، ١٤٩٢، ١٤٩٣، ١٤٩٤، ١٤٩٥، ١٤٩٦، ١٤٩٧، ١٤٩٨، ١٤٩٩، ١٥٠٠، ١٥٠١، ١٥٠٢، ١٥٠٣، ١٥٠٤، ١٥٠٥، ١٥٠٦، ١٥٠٧، ١٥٠٨، ١٥٠٩، ١٥١٠، ١٥١١، ١٥١٢، ١٥١٣، ١٥١٤، ١٥١٥، ١٥١٦، ١٥١٧، ١٥١٨، ١٥١٩، ١٥٢٠، ١٥٢١، ١٥٢٢، ١٥٢٣، ١٥٢٤، ١٥٢٥، ١٥٢٦، ١٥٢٧، ١٥٢٨، ١٥٢٩، ١٥٣٠، ١٥٣١، ١٥٣٢، ١٥٣٣، ١٥٣٤، ١٥٣٥، ١٥٣٦، ١٥٣٧، ١٥٣٨، ١٥٣٩، ١٥٤٠، ١٥٤١، ١٥٤٢، ١٥٤٣، ١٥٤٤، ١٥٤٥، ١٥٤٦، ١٥٤٧، ١٥٤٨، ١٥٤٩، ١٥٥٠، ١٥٥١، ١٥٥٢، ١٥٥٣، ١٥٥٤، ١٥٥٥، ١٥٥٦، ١٥٥٧، ١٥٥٨، ١٥٥٩، ١٥٦٠، ١٥٦١، ١٥٦٢، ١٥٦٣، ١٥٦٤، ١٥٦٥، ١٥٦٦، ١٥٦٧، ١٥٦٨، ١٥٦٩، ١٥٧٠، ١٥٧١، ١٥٧٢، ١٥٧٣، ١٥٧٤، ١٥٧٥، ١٥٧٦، ١٥٧٧، ١٥٧٨، ١٥٧٩، ١٥٨٠، ١٥٨١، ١٥٨٢، ١٥٨٣، ١٥٨٤، ١٥٨٥، ١٥٨٦، ١٥٨٧، ١٥٨٨، ١٥٨٩، ١٥٩٠، ١٥٩١، ١٥٩٢، ١٥٩٣، ١٥٩٤، ١٥٩٥، ١٥٩٦، ١٥٩٧، ١٥٩٨، ١٥٩٩، ١٦٠٠، ١٦٠١، ١٦٠٢، ١٦٠٣، ١٦٠٤، ١٦٠٥، ١٦٠٦، ١٦٠٧، ١٦٠٨، ١٦٠٩، ١٦١٠، ١٦١١، ١٦١٢، ١٦١٣، ١٦١٤، ١٦١٥، ١٦١٦، ١٦١٧، ١٦١٨، ١٦١٩، ١٦٢٠، ١٦٢١، ١٦٢٢، ١٦٢٣، ١٦٢٤، ١٦٢٥، ١٦٢٦، ١٦٢٧، ١٦٢٨، ١٦٢٩، ١٦٣٠، ١٦٣١، ١٦٣٢، ١٦٣٣، ١٦٣٤، ١٦٣٥، ١٦٣٦، ١٦٣٧، ١٦٣٨	

۴۵۶، ۴۵۴، ۴۵۳، ۴۲۳، ۴۱۸، ۴۱۷، ۴۱۲، ۳۶۵	ارغون آقا، امیر (۱۷۵-۱۶۹)
۵۴۹، ۴۵۷	ارغون خان (۲۲۸، ۲۲۶-۲۲۱، ۲۱۷، ۲۰۷)
۱۴۱، ۱۲۷، ۱۲۵-۱۲۵، ۱۲۰	الاشرف، الملك (۲۲۷، ۲۲۶، ۲۲۳، ۲۳۲، ۲۳۱، ۲۳۰، ۲۲۹)
۱۵۶، ۱۴۵-۱۴۳	۲۴۴، ۲۴۳، ۲۴۲، ۲۴۱، ۲۴۰، ۲۳۹، ۲۳۸
اصفهان، امیر - (۴۶۵)	۳۰۸، ۲۹۴، ۲۵۵، ۲۵۴، ۲۵۳، ۲۴۶، ۲۴۵
اصیل الدین (۳۰۹)	۳۷۰، ۳۶۹، ۳۶۸، ۳۶۴، ۳۵۲، ۳۴۸، ۳۱۹
اعظم ملک (۶۶، ۶۲، ۶۰)	۴۱۸، ۴۱۳، ۴۰۶، ۴۰۲، ۳۹۶، ۳۹۵، ۳۹۴
اغور بن شاه رستم (۴۵۲)	۱۵۱، ۱۵۰، ۵، ۴۹۱، ۴۸۵، ۴۵۵، ۴۴۶، ۴۴۵
اغول (۲۵۱)	۵۷۲، ۵۶۳، ۵۳۶
اغول غایمش (۱۶۰، ۱۵۷، ۱۵۶، ۱۵۵، ۱۵۴)	ارقیونویان (۱۹۲، ۱۹۱)
افتخار جهان (۴۳)	اریق بوکا (۳۴۹، ۱۶۲، ۱۶۱، ۱۵۷، ۱۵۵)
افراسیاب، اتابک (۴۴۶، ۴۱۳، ۴۰۶، ۴۰۲)	۴۱۱، ۳۶۴، ۳۵۳، ۳۵۲، ۳۵۰
۴۴۸	اسحق ارمنی (۲۱۶، ۲۰۱)
افراسیاب دوّم (۴۴۸، ۴۴۷)	اسد، اتابک (۱۲۸، ۱۲۷)
افضل کاشانی (افضل الدین محمد بن حسن کاشانی) (۵۰۶)	اسد، بهاولان (۴۳۲، ۴۳۱)
افضل الدین مولانا (۲۳۴)	اسکندر (۱۰۲)
افضل الدین ابو حامد احمد بن حامد کرمانی (۵۲۰، ۵۱۹)	اسکندر، جلال الدوله (۴۷۲، ۴۷۱)
افلاکی، شمس الدین محمد (۵۲۲)	اسماعیل، الملك الصالح (۱۹۶)
اقبال شرابی، شرف الدین (۴۵۰، ۱۷۹، ۱۴۵)	اسماعیل رشیدی، امیر وجیه الدین (۴۵۸)
اقلان چربی (۷۲)	۴۶۲، ۴۶۱
الاغ نویان (۳۶، ۳۴، ۳۲)	اسماعیل، بهاء الدین (۴۰۰)
الب ارسلان (۳۸۲، ۳۸۱، ۳۷۹)	اسماعیل بن محمد بن خدا داد، قاضی مجد الدین (۴۲۳، ۳۱۸)
الب ارغو، شمس الدین (۴۴۸، ۴۴۵)	اسماعیل بن امیر زکریا، امیر (۴۶۰)
الساچو (۳۹۲، ۳۹۱)	اشرف غزنوی، سید حسن (۵۳۲)
	اشرف، ملک (۳۶۴، ۳۶۳، ۳۶۲، ۳۶۱، ۳۵۷)

۳۹۹،۳۹۴، ۲۷۸، ۲۷۷، ۳۷۵، ۲۷۳، ۳۷۲	التمش، شمس الدین (۱۱۹۰، ۱۱۲، ۱۱۹۰، ۴۸۳)
۴۸۹، ۴۲۳، ۴۹۶، ۴۱۴، ۴۹۳، ۴۱۰، ۴۰۹	۵۴۶، ۵۱۸، ۵۱۷
۵۲۳، ۵۲۲، ۵۲۱، ۵۲۰، ۵۱۵، ۵۰۸، ۴۹۷	الش ایدی (۳۵، ۳۴، ۳۳)
۵۶۳، ۵۶۰، ۵۵۹، ۵۵۷، ۵۴۹، ۵۴۵، ۵۲۶	الغ بیک (۴۹۸، ۴۷۸)
۵۷۲، ۵۶۵، ۵۶۴	الغو امیر (۲۸۰)
اولجای خاتون (۲۳۰، ۲۲۱، ۲۱۸)	الیناق (۲۳۲، ۲۳۰، ۲۲۹، ۲۲۸، ۲۲۶)
اوحد الدین کرمانی (۵۴۸، ۵۴۷، ۵۰۴، ۳۵۱)	امام الدین قزوینی، ملک (۲۳۱)
اوحدی اصفهانی یا مراغه‌ای (۵۴۸، ۵۴۷، ۵۱۴)	امامی هرزی، رضی الدین عبدالله بن محمد
اورخان (۱۴۲، ۶۲)	امامی هرزی (۵۳۸، ۵۳۷)
اوروغ خاتون (۲۴۵)	امیرانشاه (۳۲۸)
اوزبک خان (۳۴۹، ۳۴۵، ۳۳۹، ۳۳۱)	امیرة دباچ (۵۰۷)
اوزلاغ شاه یا ارزلاق شاه (۵۹، ۴۹، ۴۷، ۴۴، ۴۲)	امین الدین کازرونی (۳۸۲)
۱۳۹	امین الدین نصر (۵۲۳)
اوقلینس یونانی (۵۰۳)	امین ملک (۱۱۱، ۶۳، ۶۲، ۶۱، ۶۰، ۵۹، ۳۷)
اوقول، ملک (۱۵۷)	انکیانو (۳۹۲، ۱۹۷)
اوگدای یا اکتای (۴۶، ۳۶، ۳۳، ۲۶)	انوری (۵۵۳، ۵۵۰، ۵۴۰، ۵۰۴، ۲۹)
۱۸۵، ۷۷، ۷۲، ۶۹، ۶۸، ۶۶، ۶۳، ۵۸، ۴۷، ۴۵، ۴۴	انوشیروان ساسانی (۵۲۱)
۱۴۳، ۱۴۱، ۱۳۶، ۱۳۵، ۱۳۰، ۱۱۰، ۱۰۹، ۸۸	انوشیروان عادل، ایلخان (۴۵۳، ۳۶۴، ۳۶۳)
۱۵۱، ۱۵۰، ۱۴۹، ۱۴۸، ۱۴۷، ۱۴۶، ۱۴۴	اونکین (۱۰۹، ۸۸)
۱۶۲، ۱۵۸، ۱۵۶، ۱۵۵، ۱۵۴، ۱۵۳، ۱۵۲	اوزبک، اتابک (۱۲۲، ۱۱۸، ۱۱۷، ۱۱۶، ۱۱۴)
۲۴۸، ۲۰۷، ۱۶۹، ۱۶۸، ۱۶۷، ۱۶۶، ۱۶۵	۵۳۴، ۳۸۲، ۱۲۶، ۱۲۵
۵۵۸، ۵۴۳، ۴۸۶، ۴۰۴، ۳۸۶، ۳۰۹، ۳۰۳	اولجایتو (۳۰۸، ۳۰۷، ۲۸۲، ۲۸۱، ۲۶۴)
۱۹۸، ۱۵۹، ۱۵۵، ۶۹، ۱۵	۳۱۵، ۳۱۴، ۳۱۳، ۳۱۲، ۳۱۱، ۳۱۰، ۳۰۹
اویس، قطب الدین (۴۳۶، ۴۳۲، ۴۳۱)	۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۲
اویس جلایر سلطان (۴۲۹، ۴۲۸، ۴۲۷، ۴۲۴)	۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۳، ۳۲۲
۴۶۰، ۴۵۹، ۴۵۸، ۴۵۷، ۴۵۶، ۴۳۴، ۴۳۱، ۴۳۰	۳۷۱، ۳۶۴، ۳۵۷، ۲۴۸، ۲۴۶، ۲۴۱، ۳۳۸

بايدو (۲۲۵ ، ۲۲۹ ، ۲۴۱ ، ۲۴۵ ، ۲۵۱ ، ۲۵۲)	۵۷۴ ، ۵۵۳ ، ۵۲۷ ، ۴۶۵
۲۵۲ ، ۲۵۴ ، ۲۵۵ ، ۲۵۶ ، ۲۵۷ ، ۲۵۸ ، ۲۶۱	اويس بن شاه شجاع (۴۳۸)
۲۶۲ ، ۲۶۸ ، ۲۷۰ ، ۲۸۰ ، ۲۸۰ ، ۲۹۷ ، ۲۹۶	اويس ثانی (۴۶۵ ، ۴۶۴)
۴۰۶	اياز ، بهاء الدين (۳۹۸ ، ۳۹۷)
بختنصر (۱۰۱)	ايچي ، قاضي عضد الدين (۳۵۲ ، ۳۵۱ ، ۳۵۰)
بختيار ، عمر الدوله (۳۸۰)	۴۳۶ ، ۴۱۹ ، ۵۲۶ ، ۵۱۱ ، ۵۱۰
بداؤنی ، شيخ نظام الدين محمد اوليا (۵۴۷ ، ۵۴۶)	ايرنجين (۳۲۳ ، ۳۲۲ ، ۳۲۳ ، ۴۰۹)
بدر (۴۴۹)	ايرنجين نورجی = گيخاتو
بدر الدين (۳۲۱)	ايسن قتلغ (۳۲۴ ، ۳۲۰ ، ۳۲۹ ، ۳۲۶ ، ۳۱۶)
بدر الدين ، قاضي شهر بخارا (۲۸)	۵۲۰
بدر الدين جاجرمی (۵۲۸ ، ۵۲۷ ، ۲۲۳)	ايلچيکدای نويان (۶۵)
بدر الدين عميد (۲۶)	ايلک خان (۱۱)
براق حاجب (۱۱۲ ، ۱۱۴ ، ۱۱۵ ، ۱۱۹ ، ۱۲۰)	ايلکان نويان (۴۵۵ ، ۲۱۳)
۲۱۲۵ ، ۲۱۴۰ ، ۲۱۴۰ ، ۲۱۴۰ ، ۲۱۴۰ ، ۲۱۹ ، ۲۱۹	اينالجق = غاير خان
براق خان (۲۰۳ ، ۲۰۵ ، ۲۰۶ ، ۲۰۷ ، ۲۱۰)	اينانچ خان (۴۴ ، ۲۸)
۳۶۹ ، ۴۴۵	اينوسان چهارم Innocent (۱۵۹ ، ۱۵۳)
بردی بيک (۴۵۴ ، ۴۵۶)	ايوانی Ivaneh (۱۱۸ ، ۱۲۱ ، ۱۲۸ ، ۱۳۲ ، ۱۴۵)
برشماس خان (۳۲)	ايوب ، الملك الصالح (۱۹۳ ، ۱۹۴)
برکای (۱۹۷ ، ۱۹۸ ، ۲۰۵ ، ۲۱۱)	
برکه خان يا برکا (۱۵۷ ، ۲۹)	ب
برکه ، الملك السعيد (۲۹۵)	باتو (۱۴۷ ، ۱۴۸ ، ۱۵۲ ، ۱۵۳ ، ۱۵۴ ، ۱۵۵)
برکيارق (۴۰۱)	۱۵۶ ، ۱۵۷ ، ۱۶۰ ، ۱۶۵ ، ۱۹۷
برلا (۲۶۲)	باخرزی (۵۱۷)
برماش (۶۴ ، ۶۳ ، ۵۴)	بارتولد Barthold (۴۹۵ ، ۸۹)
برهان الدين ترمذی (۵۳۵)	بايجو نويان (۹۴۶ ، ۱۵۴ ، ۱۵۹ ، ۱۶۹ ، ۱۷۱)
.. . .	۱۷۳ ، ۱۸۱ ، ۱۸۲ ، ۱۸۳ ، ۱۹۲

تماجی ایناق (۲۵۰)
 تموچین = چنگیزخان
 تودون نویان (۲۱۴)
 تورا کینا خاتون (۱۶۹، ۱۵۴، ۱۵۲)
 تورس (Toros) (۲۶۹، ۲۰۸)
 توکان (۲۶۱)
 درویش توکل بن اسماعیل توکلی = ابن بزاز
 تولی یا تولوی (۲۶، ۵۱، ۵۳، ۵۸، ۶۵، ۶۶)
 ۱۵۳، ۱۴۷، ۱۴۶، ۱۱۰، ۹۰، ۹۰، ۸۵، ۸۴، ۷۴
 ۴۹۸، ۱۹۸، ۱۵۵
 تیناق (۲۷۸، ۲۷۷)
 تیتوس (۱۱۹)
 تیمور گورکانی (امیر) (۳۴۹، ۳۲۸، ۳۱۱، ۷۲)
 ۴۴۱، ۴۴۰، ۴۳۸، ۴۳۷، ۴۳۴، ۳۷۸، ۳۶۶
 ۵۶۹، ۴۹۷، ۴۷۸، ۴۷۷، ۴۶۴، ۴۶۳، ۴۵۵
 تیمور تاش (۳۴۰، ۳۷۹، ۳۳۷، ۳۳۳، ۳۲۶)
 ۴۵۷، ۴۵۴، ۳۵۳، ۳۶۵، ۳۵۶، ۳۵۵، ۳۴۷
 تیمو تاش ساختگی = قراجری
 تیمور خاقان (۳۰۹، ۲۸۲)
 تیمور ملک (۹۹، ۴۹، ۴۴، ۳۵)

ث

ثعالبی (۵۱۷)
 ثقه الملك (۳۲)

تار ممتاز (۲۸۰)
 تاش فراش (۸۱)
 تاش خان (۳۳۹)
 تایانگ خان (۱۶)
 تاییجور (۲۶۵)
 تایماس (۱۲۲)
 تایشال (۱۲۲)
 تشر (۴۰۱)
 ترکان خاتون مادر خوارزمشاه (۳۴، ۲۳، ۱۳)
 ۹۵، ۹۴، ۵۹، ۴۹، ۴۸، ۴۷، ۴۴، ۴۳، ۴۲، ۴۱، ۳۱
 ۱۳۱، ۹۷
 ترکان خاتون (دختر جلال الدین منکبرنی)
 ۳۰۱، ۱۹۷، ۱۹۴
 ترکان خاتون خواهر اتابک یزد (۳۹۱، ۳۹۰)
 ۴۰۲
 ترنگای (۳۰۶)
 تغاجار یا توقیر یا تغجار (۵۶۳، ۳۷۳، ۳۶)
 ۲۱۹، ۲۱۸، ۱۷۳
 تغار، امیر (۲۱۷)
 تقماق، امیر (۳۲۶)
 تکش بن ایل ارسلان، سلطان علاء الدین (۱۱۵، ۴۷، ۴۳، ۲۳، ۱۳، ۹، ۸)
 تکه، اتابک (۴۴۸، ۴۴۵، ۴۴۴)
 تکه بن زنگی، اتابک (۳۹۹، ۳۸۲)
 تگودار اغول (۲۲۰، ۲۰۶)

جلال الدین نورانشاہ ، خواجہ (۴۳۱)
 جلاو خان (۳۳۲ ، ۳۴۱)
 جمال قرشی (ابو الفضل محمد بن عمر) (۵۰۴)
 جمال الدین (۵۳۲)
 جمال الدین کاشی ، سید (۵۴۳)
 جمال الدین بن تاج الدین علی شروانی (۲۵۲)
 جمال الدین دستجردانی (۲۵۲ ، ۲۵۷ ، ۲۶۱)
 ۲۶۳ ، ۲۶۴
 جمشید بن اسماعیل ، تاج الدین (۴۰۰)
 جوشکاب (۲۳۹)
 جوشی (۳۹۶)
 جهان بھوان ایلیچی (۱۲۳)
 رکن الدین جھانشاہ بن طغرل (۱۲۹ ، ۱۳۳)
 ۱۳۴
 جھانگیر بن انور (۴۵۲)
 جھانگیر ، سلطان (۴۴۱)
 جھانگیر ، معز الدین (۴۳۶)
 جیمز ڈوم (James) (۲۸۳)
 جین تمور (چین تمور یا جن دمر) (۳۴)
 ۱۶۵ ، ۱۶۶ ، ۱۶۷ ، ۱۶۸ ، ۱۶۹

ج

چنگیز خان (۷۰۵ ، ۸۰۳ ، ۱۰۵۱ ، ۱۱۶۱ ، ۱۱۹۱ ، ۱۲۰۱)
 ۲۲ ، ۲۳ ، ۲۴ ، ۲۵ ، ۲۶ ، ۲۷ ، ۲۸ ، ۲۹ ، ۳۰ ، ۳۱ ، ۳۲ ، ۳۳
 ۳۶ ، ۳۷ ، ۳۸ ، ۳۹ ، ۴۰ ، ۴۱ ، ۴۲ ، ۴۳ ، ۴۴ ، ۴۵ ، ۴۶ ، ۴۷ ، ۴۸ ، ۴۹ ، ۵۰
 ۵۱ ، ۵۲ ، ۵۳ ، ۵۴ ، ۵۵ ، ۵۶ ، ۵۷ ، ۵۸ ، ۵۹ ، ۶۰ ، ۶۱ ، ۶۲ ، ۶۳ ، ۶۴ ، ۶۵ ، ۶۶ ، ۶۷
 ۶۸ ، ۶۹ ، ۷۰ ، ۷۱ ، ۷۲ ، ۷۳ ، ۷۴ ، ۷۵ ، ۷۶ ، ۷۷

ج

جامی ، عبدالرحمن (۵۳۸)
 جانی بیک (۳۶۳ ، ۳۶۵ ، ۴۲۳ ، ۴۵۴ ، ۴۵۷)
 ۵۶۹
 جبرائیل ، شیخ امین الدین (۵۰۸)
 جبلیہا (Jaballaha) (۲۰۴)
 جبہ نویان (۲۴ ، ۲۶ ، ۲۷ ، ۲۸ ، ۲۹ ، ۳۸ ، ۳۹ ، ۴۸ ، ۵۰ ، ۵۲)
 ۱۵۵ ، ۱۶۹ ، ۱۹۲
 جر جانی ، میر سید شریف (۵۱۱)
 جرماغون (۹۴۱ ، ۹۵۰ ، ۹۶۵ ، ۹۶۶ ، ۹۶۹ ، ۹۷۱)
 ۱۷۳ ، ۱۸۳ ، ۲۰۰
 جعفر (۷۵)
 جغتای (۲۶ ، ۳۳ ، ۳۶ ، ۴۴ ، ۴۵ ، ۴۷ ، ۴۸ ، ۵۸ ، ۶۳ ، ۶۶)
 ۶۷ ، ۶۸ ، ۶۹ ، ۷۲ ، ۷۳ ، ۷۴ ، ۸۵ ، ۸۸ ، ۹۰ ، ۹۱ ، ۹۲ ، ۹۳ ، ۹۴ ، ۹۵ ، ۹۶ ، ۹۷
 ۱۴۷ ، ۱۴۹ ، ۱۵۰ ، ۱۵۱ ، ۱۵۲ ، ۱۵۳ ، ۱۵۵ ، ۱۶۸ ، ۲۰۳
 ۳۰۹ ، ۳۳۰ ، ۳۶۸ ، ۴۸۶ ، ۴۹۸ ، ۵۳۴
 جفری بیک (۴۰۱)
 جلال الدین میر میران ، سید (۴۲۰ ، ۴۲۱)
 جلال الدین عارف ، شیخ (۵۲۲)
 جلال الدین (۳۲۰)
 جلال خواری (۵۰۴)
 جلال طبیب (۵۰۴)
 جلال عضد (۴۱۴)
 جلال الدین چاولی (۳۸۱)
 جلال الدین ، خواجہ (۳۲۶)

حسام الدین قزوینی (۳۳۹)	۱۸۹، ۸۸، ۸۷، ۸۵، ۸۴، ۸۳، ۸۱، ۸۰، ۷۹، ۷۸
حسن، امام (۳۳۹)	۱۱۹، ۱۱۰، ۱۰۹، ۹۹، ۹۶، ۹۳، ۹۲، ۹۱، ۹۰
حسن، فلك الدین (۴۵۲، ۴۵۱)	۱۵۳، ۹۵، ۹۱، ۵۰، ۴۹، ۴۷، ۴۶، ۴۳، ۴۲، ۴۰
حسن، ملك تاج الدین (۴۰)	۲۹۰، ۲۸۴، ۲۴۹، ۲۰۵، ۱۷۲، ۱۵۲، ۱۵۱، ۱۵۰
حسن جلایر، امیر شیخ (۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۵)	۴۷۷، ۴۰۴، ۳۸۶، ۳۶۸، ۳۶۷، ۳۵۴، ۳۱۵، ۳۰۴
۳۳۷، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۶، ۳۹۷، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۰	۵۶۶، ۵۶۵، ۴۹۵، ۴۹۴، ۴۸۹، ۴۸۷، ۴۸۵
۴۵۲، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰	چینقائی (۱۵۷، ۱۵۴، ۱۵۲)
حسن، امیر شیخ - کوچک (۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷)	
۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۶، ۳۹۷، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۰	ح
۴۵۵	حاجی بیك (۲۶۴، ۲۶۱)
حسن جورى، شیخ (۴۶۷ - ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۷)	حاجی خاتون (۳۵۰، ۳۴۲)
حسن یزدی، شاهر کن الدین (۴۳۱)	حاجی شاه بن یوسف شاه (۴۱۵، ۴۱۴، ۴۰۳)
حسن، ملك ران الدین (۴۰۰)	حاجی طغای (۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۵۹)
حسن دامغانی، پهلوان (۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۷)	۳۶۰
۴۷۷، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰	حافظ (۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰)
حسن، جمال الدین ابواسحاق (۴۱۱)	۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۶۰
حسن نمغانی، حاجی قوام الدین (۴۲۲)	۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰
حسن حاجی (۳۳، ۳۴)	الحافظ، الملك (۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰)
امیر حسن دهلوی (۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۷)	حافظ، امیر (۳۵۹)
حسن بن طیب شاه، نظام الدین (۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۶، ۳۹۷، ۳۹۸، ۳۹۹)	حافظ ابرو (۴۹۱)
حسن بن عبد الملك، ملك حسام الدین (۷۳)	حجاج، سلطان (۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۰)
حسین بیك، امیر (۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۳)	۵۱۹
حسین، ملك معز الدین - کرت (۲۷۸، ۲۷۹)	حزین یزید ریاحی (۵۲۲)
۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰	حسام الدین چلبی (حسن بن محمد بن اخی)
حسین، شاه (۴۲۶، ۴۲۷)	ترک (۵۳۵، ۵۳۶)
حسین گورکان، امیر (۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۰)	حسام الدین حاجب سالار (۲۷۷، ۲۷۸)

رکن الدین ، درویش (۴۷۶)	دولت خاتون (۴۵۲)
رکن الدین سلجوقی ، سلطان (۲۱۲)	دولت‌شاه (۴۲۹)
رکن الدین شیخی (۳۵۶)	دولندی (۳۴۱ ، ۳۳۳)
رکن الدین غورسانجی (۳۷ ، ۴۹ ، ۳۹ ، ۳۸ ، ۳۷)	ذ
۵۳۳ ، ۱۱۳	ذوالرّمه (۵۳۷)
رکن الدین ، ملک (۳۶۸ ، ۳۶۷)	ر
رمضان ، امیر (۳۸۰)	رافعی ، شیخ کمال الدین عبدالرحمن (۲۲۴)
روسودان (Roussoudan) (۱۱۷ ، ۱۱۹ ، ۱۲۸ ، ۱۴۵)	۲۲۵
ژ	رافعی ، امام ابوالقاسم عبدالکریم بن محمد
زاهد ، شیخ - کیلانی (۵۰۹ ، ۵۰۸)	رافعی قزوینی (۴۹۸)
زکریا ، شیخ بهاء الدین (۵۳۸)	رئیس الدوله همدانی طبیب (۱۸۱ ، ۱۷۶)
زکریا ، قزوینی ، عماد الدین زکریا بن محمود قزوینی (۵۰۴)	ربیع پوشنگی (۳۷۷ ، ۳۶۷)
زکریا ، امیر شمس الدین (۴۶۱ ، ۴۵۸)	رستم ، سیف الدین (۴۵۲ ، ۴۴۹)
زکی الدین عجمی (۱۳۱)	رستم عباسی ، شاه (۴۵۲)
زلالی (۵۴۴)	رستم خان بن جهانگیر (۴۵۲ ، ۴۵۱)
زمخشری ، امام علامه جلال الله ابوالقاسم محمود بن عمر خوارزمی (۴۲)	رسول اکرم (۵۵۶ ، ۵۱۶ ، ۳۱۷ ، ۲۲۲ ، ۱۰۴)
زنکی ، انا بک مظفر الدین مودود (۳۹۴ ، ۳۸۲)	رشید الدوله بهود (۲۴۸)
۳۹۹	رضی الدین استرابادی (۵۰۵)
زین العابدین ، سلطان (۴۳۵ ، ۴۳۴ ، ۴۳۳ ، ۴۳۲)	رضی الدین نیشابوری (۹۱)
۴۳۶ ، ۴۳۷ ، ۴۳۸ ، ۴۳۹ ، ۴۴۰ ، ۴۴۱ ، ۴۴۲ ، ۴۴۳ ، ۴۴۴	رضی الملک (۶۰)
ژ	رفیع الدین لشبانی (۵۳۲)
ژان بیست و یکم (۰۴)	رکن الدین (۱۹۰)
ژان بیست و دوم (۳۴۷)	رکن الدین اسهید کبودجامه (۴۰)
	رکن الدین امام زاده (۲۹)

۵۵۰، ۵۴۸، ۵۴۶، ۵۴۵، ۵۴۴	س
سقناق، امیر (۴۳)	ساتلمش، ناصر الدین (۲۶۴، ۳۶۱)
سگاکی، سراج الدین ابویعقوب یوسف بن	ساتی بیک (۲۵۷، ۳۵۶، ۳۴۹، ۳۴۱، ۳۳۲)
ابی بکر (۵۰۷، ۴۹۸)	۳۶۴، ۳۶۱، ۳۶۰، ۳۵۸
سلامش (۲۷۱)	ساداق نوبان (۴۱۶، ۴۰۹)
سلجوقشاهین سلغور (۴۰۰، ۳۹۱، ۳۹۰)	سام، رکن الدین (۴۰۳، ۴۰۲)
سلطان بخت (۴۵۴، ۳۶۱)	سبتای بهادر (۵۰۰، ۴۸۱، ۳۹۰، ۳۸۰، ۳۷۰، ۳۶۰، ۲۸۰)
سلطانشاه (۴۱۴، ۴۰۳)	۱۵۳، ۱۴۸، ۱۴۷، ۹۹، ۵۵، ۵۲
سلطانشاه جاندار (۴۳۳، ۴۱۸)	سبوکتای (۱۵۷)
سلطانشاه خازن (۴۵۸، ۴۵۷)	سر سیخ خان (۳۲)
سلطان ولد (۵۳۶، ۴۶۵، ۴۶۴)	سرقویتی (۱۷۱، ۱۵۸، ۱۵۶، ۱۵۵)
سلغرشاه بن اتابک احمد (۴۴۸، ۴۴۷)	سرور، خواجه (۴۵۸)
سلغورشاه (۲۷۹، ۱۱۴)	سعد (۲۶)
سلیمان ساوجی (۴۵۹، ۴۵۶، ۴۵۵، ۴۲۴، ۳۵۱)	سعد، اتابک (۳۹۰، ۳۸۹، ۳۸۷، ۳۸۵، ۱۹۰)
۵۵۳، ۵۵۲، ۵۱۴، ۴۸۷	۵۴۰، ۵۳۹، ۴۰۰، ۳۹۱
سلیمان خان (۳۶۳، ۳۶۲، ۳۶۰، ۳۵۹، ۳۵۸)	سعد بن زنگی، اتابک (۳۸۲، ۱۱۴، ۱۱۳، ۱۱۲)
۳۶۴	۵۲۲، ۵۱۹، ۴۴۴، ۴۰۲، ۴۰۰، ۳۸۴، ۳۸۳
سلیمانشاه بن اتابک احمد (۴۴۷)	۵۳۳
سلیمانشاه ایوانی، شهاب الدین بن یرجم	سعد الدوله یهود (۲۴۰، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۷، ۲۳۶، ۲۳۵، ۲۳۴، ۲۳۳، ۲۳۲، ۲۳۱، ۲۳۰، ۲۲۹، ۲۲۸، ۲۲۷، ۲۲۶، ۲۲۵، ۲۲۴، ۲۲۳، ۲۲۲، ۲۲۱، ۲۲۰، ۲۱۹، ۲۱۸، ۲۱۷، ۲۱۶، ۲۱۵، ۲۱۴، ۲۱۳، ۲۱۲، ۲۱۱، ۲۱۰، ۲۰۹، ۲۰۸، ۲۰۷، ۲۰۶، ۲۰۵، ۲۰۴، ۲۰۳، ۲۰۲، ۲۰۱، ۲۰۰، ۱۹۹، ۱۹۸، ۱۹۷، ۱۹۶، ۱۹۵، ۱۹۴، ۱۹۳، ۱۹۲، ۱۹۱، ۱۹۰، ۱۸۹، ۱۸۸، ۱۸۷، ۱۸۶، ۱۸۵، ۱۸۴، ۱۸۳، ۱۸۲، ۱۸۱، ۱۸۰، ۱۷۹، ۱۷۸، ۱۷۷، ۱۷۶، ۱۷۵، ۱۷۴، ۱۷۳، ۱۷۲، ۱۷۱، ۱۷۰، ۱۶۹، ۱۶۸، ۱۶۷، ۱۶۶، ۱۶۵، ۱۶۴، ۱۶۳، ۱۶۲، ۱۶۱، ۱۶۰، ۱۵۹، ۱۵۸، ۱۵۷، ۱۵۶، ۱۵۵، ۱۵۴، ۱۵۳، ۱۵۲، ۱۵۱، ۱۵۰، ۱۴۹، ۱۴۸، ۱۴۷، ۱۴۶، ۱۴۵، ۱۴۴، ۱۴۳، ۱۴۲، ۱۴۱، ۱۴۰، ۱۳۹، ۱۳۸، ۱۳۷، ۱۳۶، ۱۳۵، ۱۳۴، ۱۳۳، ۱۳۲، ۱۳۱، ۱۳۰، ۱۲۹، ۱۲۸، ۱۲۷، ۱۲۶، ۱۲۵، ۱۲۴، ۱۲۳، ۱۲۲، ۱۲۱، ۱۲۰، ۱۱۹، ۱۱۸، ۱۱۷، ۱۱۶، ۱۱۵، ۱۱۴، ۱۱۳، ۱۱۲، ۱۱۱، ۱۱۰، ۱۰۹، ۱۰۸، ۱۰۷، ۱۰۶، ۱۰۵، ۱۰۴، ۱۰۳، ۱۰۲، ۱۰۱، ۱۰۰، ۹۹، ۹۸، ۹۷، ۹۶، ۹۵، ۹۴، ۹۳، ۹۲، ۹۱، ۹۰، ۸۹، ۸۸، ۸۷، ۸۶، ۸۵، ۸۴، ۸۳، ۸۲، ۸۱، ۸۰، ۷۹، ۷۸، ۷۷، ۷۶، ۷۵، ۷۴، ۷۳، ۷۲، ۷۱، ۷۰، ۶۹، ۶۸، ۶۷، ۶۶، ۶۵، ۶۴، ۶۳، ۶۲، ۶۱، ۶۰، ۵۹، ۵۸، ۵۷، ۵۶، ۵۵، ۵۴، ۵۳، ۵۲، ۵۱، ۵۰، ۴۹، ۴۸، ۴۷، ۴۶، ۴۵، ۴۴، ۴۳، ۴۲، ۴۱، ۴۰، ۳۹، ۳۸، ۳۷، ۳۶، ۳۵، ۳۴، ۳۳، ۳۲، ۳۱، ۳۰، ۲۹، ۲۸، ۲۷، ۲۶، ۲۵، ۲۴، ۲۳، ۲۲، ۲۱، ۲۰، ۱۹، ۱۸، ۱۷، ۱۶، ۱۵، ۱۴، ۱۳، ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱، ۰
سلیمانشاه بن اتابک احمد (۴۴۷)	
سلیمانشاه ایوانی، شهاب الدین بن یرجم	
سلیمانشاه، خواجه قطب الدین بن خواجه	
محمود کمال (۴۳۰)	
سنائی (۵۳۵، ۵۳۱، ۵۰۴)	
سنباد (۲۷۰، ۲۶۹، ۱۵۳)	
سنجر، سلطان (۳۶۷، ۶۴، ۵۴، ۵۱، ۴۳، ۱۰، ۸)	
۵۲۸، ۴۰۲	

سیف الدین بتکچی (۱۹۷، ۱۸۴)	سنقر بن طغرل ، قطب الدین (۲۸۲)
سیف الدین سالار (۲۷۸، ۲۷۷، ۲۷۳، ۲۷۲)	سنقر الاشقر سمرقندی ، شمس الدین (۲۰۸)
سیف الدین ، ملک (۳۶۹)	۲۰۹، ۲۱۱، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۲۰، ۲۴۴
سیورغان (۳۶۱، ۳۶۰، ۳۵۶، ۳۵۳، ۳۴۵)	سنقر بن مودود (۳۷۹، ۳۸۴، ۳۸۰، ۳۹۹)
۳۶۳	سنقر سنغوری ، اتابک (۴۴۳)
سیورغتمش اوغانی (۴۳۷، ۴۳۱، ۴۲۹، ۴۲۸)	سنکتور نویان (۲۴۹، ۲۴۷، ۲۴۶)
سیورغتمش ، جلال الدین (۴۰۸، ۴۰۷، ۴۰۶)	سنگه (۱۶۴)
۴۱۰، ۴۱۳، ۴۱۸	سوتوکتای (۱۵۷)
ش	سوزنی سمرقندی (۵۵۰)
شاه جهان تیمور خان (۳۶۵، ۳۶۴، ۳۵۹، ۳۵۸)	سوغنجاق یا سونجاق (۱۸۲، ۱۸۳، ۱۹۲)
شاه جهان ، قطب الدین (۴۱۵، ۴۱۰، ۴۰۸)	۲۰۰، ۲۰۱، ۲۱۳، ۲۲۲، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۷
۴۲۶	سوکای (۲۶۲، ۲۶۳)
شاهرخ بن امیر تیمور (۴۷۸، ۴۶۵، ۶۴)	سوتتای ، امیر (۲۶۵، ۲۷۸، ۲۸۰، ۲۵۳)
شاه سلطان (۴۲۷، ۴۲۴، ۴۲۱، ۴۱۹)	سوتتای نویان (۱۹۲)
شبهتری ، شیخ صدر الدین محمود بن عبدالکریم	سونج (۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۳، ۲۲۱، ۲۲۵، ۲۲۷)
(۵۴۵، ۵۱۴)	سهروردی ، شهاب الدین یحیی بن حبش (۴۹۹)
شبلی ، سلطان (۴۴۱، ۴۳۶، ۴۳۴، ۴۳۸)	سهروردی ، شهاب الدین ابو حفص عمر بن
شجاع شاه (۴۲۳، ۴۲۰، ۴۱۹، ۴۱۸، ۴۱۵)	محمد (۱۳۵، ۱۹۸، ۴۹۹، ۵۰۷، ۵۱۴، ۵۲۹)
۴۲۴، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۱	سید بن طاوس ، جمال الدین احمد (۵۰۱)
۴۳۲، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۱	۵۰۲
۴۴۲، ۴۴۸، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۶۰، ۴۶۳	سید بن طاوس ، رضی الدین (۵۰۱)
۴۷۶، ۵۱۰، ۵۲۷، ۵۵۱، ۵۵۲	سیده خاتون (۴۰۱)
شجرة الدر (۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵)	سیف اسفرنگ (۵۱۴، ۵۳۴)
شرف شیرازی = و صاف	سیف الدین اغراق ملک (۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۶، ۶۷)
شرف قزوینی ، شرف الدین فضل الله حسینی	

شمس طبسی (۵۰۴)	قزوینی (۴۴۷ ، ۵۲۱ ، ۵۲۰)
شمس فخری ، شمس الدین بن فخر الدین فخری اصفهانی (۴۴۷ ، ۵۲۲ ، ۵۲۷)	شرف بن المؤمن بدبغدادی ، شیخ مجد الدین (۴۲۱ ، ۴۲۰ ، ۵۳۱ ، ۵۱۴)
شمس منشی نخجوانی (۵۲۶ ، ۵۲۷)	شرف الدین خطیب (۶۶ ، ۶۵)
شهاب الدین الب ، شمس الملك (۵۹ ، ۱۱۱)	شرف الدین خاخالی (۳۱۲ ، ۳۱۳)
شهاب الدین ابوسعید ، خواجه (۵۲۰)	شرف الدین خوارزمی (۱۶۶ ، ۱۶۷ ، ۱۶۹)
شهاب الدین غوری (۹ ، ۱۲)	شرف الدین رامی (۴۵۵ ، ۴۵۹)
شهاب الدین خیوقی (۶۵ ، ۲۶ ، ۴۲)	شرف الدین سمنانی (۲۶۱)
شهید بلخی (۵۴۰)	شرف الدین سفروه (۵۳۲)
شهید اول شیخ شمس الدین محمد مکی (۴۶۶)	شرف الدین وکیل (۴۳)
۴۷۷	شرف الدین هارون ، خواجه (۵۰۶ ، ۵۴۵)
شیخ ، امیر (۴۱۸)	شرف الملك (۱۱۸ ، ۱۱۹ ، ۱۲۰ ، ۱۲۵ ، ۱۲۶)
شیخ خلیفه (۴۶۷)	۱۲۷ ، ۱۲۸ ، ۱۳۳ ، ۱۳۴ ، ۱۳۷ ، ۱۴۱
شیرامون (۱۵۱ ، ۱۵۲ ، ۱۵۴ ، ۱۵۶ ، ۱۵۷)	شروانشاه (۱۲۶)
۳۰۶ ، ۲۰۰	شلوه (Chalveh) (۱۱۸)
ص	شمس الدین آملی = محمد بن محمود آملی
صائب تبریزی (۵۴۴)	شمس الدین برادر عبدالرزاق سریداری (۴۷۱ ، ۴۷۷)
صاعد بن معبود ، رکن الدین ابوالعلاء (۵۳۲)	شمس الدین تبریزی (۵۳۵ ، ۵۲۶)
الصالح ، الملك (۱۴۴ ، ۱۹۲)	شمس الدین حارثی (۵۲ ، ۵۳)
صاین وزیر = عادل نسوی	شمس الدین جوزجانی ، ملک (۵۷ ، ۹۹)
صباحی کاشانی (۵۴۴)	شمس الدین طغرائی (۱۱۸)
صدر الدین احمد خالیدی زنجانی (۲۱۷ ، ۲۱۸)	شمس الدین قزوینی (۱۷۲ ، ۱۷۳ ، ۱۸۷)
۲۳۷ ، ۲۴۶ ، ۲۴۷ ، ۲۴۸ ، ۲۴۹ ، ۲۵۰ ، ۲۵۱ ، ۲۵۲ ، ۲۵۷	۱۸۸
۲۵۹ ، ۲۶۱ ، ۲۶۲ ، ۲۶۳ ، ۲۶۴ ، ۲۶۵ ، ۲۶۶ ، ۲۶۹	شمس الدوله (۲۴۲ ، ۲۴۳)
۲۸۷ ، ۲۹۲ ، ۲۹۳ ، ۲۹۶ ، ۲۹۷ ، ۲۸۷ ، ۵۵۹	شمس الدوله یهود (۳۹۶)

٢٥٤،٢٥٢،٢٥١،٢٥٠،٢٤٩،٢٤٧،٢٤٦،٢٤٥

٤٨٧،٣٩٢،٣٩٣،٦٦١،٢٥٧،٢٥٥

٢٦٤،٢٦١،٢٦٠،٢٥٧،٢٥٤ (طغائيمور خان)

٤٧٨،٤٧٧،٤٧٥،٤٧٤،٤٧٣،٤٧٠،٤٦٨،٤٥٨

طغانشاه (٤٢١)

طغاي خان (٣٢،٣١)

طغرل بن سنغرين مودود (٢٩٩)

طغرل اول سلجوقي (٤٠١)

طغرل سوم سلجوقي (١٢٧،١٢٥)

طوطك بلا (٢٧٤)

٢٤٦،٢٤٥،٢٤١،٢٤٠،٢٣٧،٢٣٦ (طوغان)

٣٩٦،٣٧٦،٣١٢

طوغون (٢١٢)

طهماسب اول صفوي (٥٣٠،٤٥٢،٤٥١)

طيب شاه، جلال الدين (٤٠٩،٤٠٠)

ظ

الملك الظاهر = بيدرس

الظاهر بامر الله (١٣٠)

ع

٤٦١،٤٦٠،٤٥٨،٤٣٤،٤٢٣ (عادن آقا)

٤٦٢،٤٦٢

٣٣٤ (عادل نسوي، نصره الدين صاين وزير)

٣٣٧،٣٣٦

٢٦٤،٢٦٣ (عالم الدين، قصر)

٥٣٣،١١٢ (صدر الدين خجندی)

٥٠٩ (صدر الدين، شيخ)

٤٢٧ (صدر الدين عراقي)

٥٢٨،٥٠٧،٥٠٠ (صدر الدين قونيوي)

٣١٤ (صدر جهان بخارائي)

١٦٦ (صعلوك، ملك بهاء الدين)

٥٠٩،٥٠٨،٤٦٥ (صفي الدين اردبيلي، شيخ)

٥٣٠

صفي اقرع (٢٦)

٢٣٨ (صفي الدوله)

٥٦٢،٥٦١،٥٠٦،٢٢٢ (صفي الدين ارموي)

١٥٨،١٤٤،١٣٨،١٢٠ (صلاح الدين ايوبي)

٤٩٩،١٩٣

ض

ضياء الدين برني، ضياء الدين بن رجب

برني (٥٤٦،٥٢٩)

ضياء نخشي (٥٢٨)

ط

٣٤٢،٣٤٢ (طاشتمور)

٣٦٨،١٦٦،٢٨ (طاير بهادر)

٢٦٢ (طايجو)

٢٧١،٢٧٠،٢٥١ (طرغاي)

٣٣١،٣٢١،٣١٥ (طرمطاز)

٢٤٣،٢٢٧،٢٣٠،٢٢٨،٣٢٥ (طغاجار، امير)

علی چشمی، خواجه شمس الدین (۴۷۲، ۴۷۳،
 ۴۷۴، ۴۷۷)
 علی خواجه بخارا ئی (۳۴، ۳۲)
 علی خواجه (۴۶۲)
 علی، سپهسالار (۴۲)
 علی قوشچی (۳۰۸، ۳۲۹، ۳۴۳، ۳۵۴)
 علی گاون (۳۶۱، ۴۷۰)
 علی لر، امیر - (۴۴۹)
 علی موصلی، حاجب حسام الدین (۱۲۰، ۱۲۱،
 ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۹، ۱۳۲، ۱۳۳، ۲۲۲)
 علی مؤید، خواجه نجم الدین (۴۶۶، ۴۷۵،
 ۴۷۶، ۴۷۷)
 علی یزدی، شرف الدین (۴۹۱)
 علی بن پیرک پادشاه، سلطان - (۴۷۸)
 امام علی بن موسی الرضا (۵۲)
 علیشاه خوارزمشاهی، تاج الدین (۱۰)
 علیشاه، تاج الدین - جیلان تبریزی (۲۱۸،
 ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۸،
 ۳۲۹، ۳۳۲، ۳۳۴، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۵۶،
 ۳۵۹)
 عماد کاتب (۵۱۷)
 عماد فقیه کرمانی (۴۳۶، ۵۵۱، ۵۵۲)
 عماد الدوله ابوالخیر (۴۸۸)
 عماد الدین پهلوان (۴۴۴، ۴۴۸)
 عماد الدین، سید - (۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵،
 ۳۹۶)
 عماد الدین مشرف (۴۳، ۶۰)
 عماد الدین، سید، اداسب (۱۳۰)

علاء الدین (۴۳، ۳۷)
 علاء الدین احمد یلی (۱۲۶)
 علاء الدین اسماعیلی (۱۲۵، ۱۲۶، ۱۵۳،
 ۱۵۴، ۵۲۹)
 علاء الدین کورت (۲۷۸)
 علاء الدین، اتابک یزد (۳۹۰، ۳۹۱، ۴۱۲،
 ۴۱۳)
 علاء الدین، شاه (۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۴)
 علامه حلی، جمال الدین حسن بن مطهر (۳۱۶،
 ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۳،
 ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰،
 ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷،
 ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴،
 ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۱،
 ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۸،
 ۳۵۹)
 علامه شیرازی، قطب الدین (۱۹۱، ۳۱۲،
 ۴۷۹، ۵۰۶، ۵۴۴)
 علم الدین سنجر شجاعی (۲۶۸، ۲۷۶)
 علی، امیر المؤمنین (۳۱۶، ۳۱۷، ۴۶۶،
 ۴۶۹، ۴۸۰)
 علی، پسر خواجه بهاء الدین جوینی (۲۳۲)
 علی، شاه - (۴۲۶)
 علی، شیخ (۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶،
 ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۲،
 ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۸،
 ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۴،
 ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۵۹)
 علی بنا کتی، سید نظام الدین (۵۲۰)
 علی، امیر ضیاء الدین (۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶،
 ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۳،
 ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۰،
 ۳۲۱، ۳۲۲)
 علی پادشاه (۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۶،
 ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۲،
 ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۸،
 ۳۵۹)
 علی بن الحسن الرندی، جلال الدین (۲۹)
 علی بن محمد، سید (۳۵۴، ۳۵۹)

٥٧١	عماد الملك (٣٩٠٣٧)
غايبرخان يا اينالجباق (٢٦٠٢٢، ٢٠، ٢٧، ٢٣، ٢٤، ٢٥، ٢٦، ٢٧، ٢٨، ٢٩، ٣٠، ٣١، ٣٢، ٣٣، ٣٤، ٣٥، ٣٦، ٣٧، ٣٨، ٣٩، ٤٠، ٤١، ٤٢، ٤٣، ٤٤، ٤٥، ٤٦، ٤٧، ٤٨، ٤٩، ٥٠، ٥١، ٥٢، ٥٣، ٥٤، ٥٥، ٥٦، ٥٧، ٥٨، ٥٩، ٦٠)	عمدة الملك (٦٠)
غياث الدين بلبن (٥٢٠)	عمر (٣١٧)
غياث الدين، خوارزمشاه (٩٧، ٣٨، ١١١)	عمر، حسام الدين (٤٥٢، ٤٥١)
٢٨٣، ١٢٥، ١٢٣، ١١٦، ١١٥، ١١٤، ١١٣، ١١٢	عمر، جمال الدين (٤٢)
٥٢٢، ٤٤٤، ٤٠٣، ٣٨٤	عمر بن سعد خوارزمي، قاضي الدين (١١٧)
غياث الدين حاجي (٤١٢)	عمر مرغيني، عز الدين (٣٦٧)
غياث الدين غوري (٦٥، ١٠، ٩)	عمر شيخ (٤٤١)
ملك غياث الدين كرت (٣٤٢، ٣٣٨، ٣٣٦، ٣٣٠، ٣٢٠)	عميد، امير (٣٢)
٣٧٩	عميد الدين اسعد فارسي، خواجة (٣٨٥)
ف	عنصري (٥٠٤)
فارابي، حكيم ابونصر (٥٠١)	عيسى، الملك المعظم (١٢١، ١٢٠)
فارابي، ظهير الدين محمد (٥٤٠، ٥٣٤، ٥٣٢)	عيسى بن مهدي (٣٧٣)
٥٥٢	عين الملك، فخر الدين حسين اشعري (٥١٧)
فاطمة (١٥٢)	غ
فاطمة طوسي (١٦٨)	غازان خان (٢٥٢، ٢٤٤، ٢٤٣، ٢٤١، ٢٣٩)
فتحعليشاه (٥٤٤)	٢٦١، ٢٦٠، ٢٥٩، ٢٥٨، ٢٥٧، ٢٥٦، ٢٥٥، ٢٥٤
فخر بنا كتي (٥٢٠، ٤٩١)	٢٧٢، ٢٧١، ٢٧٠، ٢٦٩، ٢٦٦، ٢٦٥، ٢٦٤، ٢٦٣
فخر الدين اخلاطي (١٩١)	٢٨١، ٢٨٠، ٢٧٩، ٢٧٨، ٢٧٦، ٢٧٥، ٢٧٤، ٢٧٣
فخر الدين عراقي (٥٤٧، ٥٢٨، ٥١٤)	٢٩٠، ٢٨٩، ٢٨٨، ٢٨٦، ٢٨٥، ٢٨٤، ٢٨٣، ٢٨٢
فخر الدين مراغي (١٩١)	٢٩٩، ٢٩٨، ٢٩٧، ٢٩٦، ٢٩٥، ٢٩٤، ٢٩٣، ٢٩٢
فخر الدين ابوبكر، امير (٣٩٠، ٣٨٩، ٣٨٧)	٣٠٧، ٣٠٦، ٣٠٥، ٣٠٤، ٣٠٣، ٣٠٢، ٣٠١، ٣٠٠
فخر الدين بن ركن الدين ملك (٣٧٠، ٢٦٥)	٣٧١، ٣٦٤، ٣٤٩، ٣٣٠، ٣١٨، ٣١٥، ٣٠٩، ٣٠٨
٣٧٩، ٣٧٧، ٣٧٦، ٣٧٥، ٣٧٣، ٣٧٢، ٣٧١	٤٤٧، ٤١٣، ٤٠٩، ٤٠٨، ٣٩٩، ٣٩٨، ٣٩٧، ٣٩٦
فخر الدين اصفهاني (٥٣٧، ٥٢٣)	٥٥٩، ٥٢٠، ٥١٥، ٤٩٧، ٤٩٢، ٤٨٨، ٤٨٧، ٤٥١

فخر الدین عبداللہ ، قاضی (۴۰۸)

فخر الدولہ ، شاہ غازی (۴۷۱ ، ۴۷۲)

فخر المحققین ، فخر الدین محمد (۳۹۶ ، ۵۰۸)

فخری کرگانی (۵۰۴)

فرامرزی ، ظہیر الدین ابو منصور (۴۰۱)

، ۴۰۲ ، ۴۰۳

فرانسوا د پروز (François de Péruse) (۳۴۸)

فرج اللہ (۲۲۳ ، ۲۳۵)

قرخی (۵۴۰)

فردوسی (۵۰۴)

فضل اللہ باشتینی ، خواجہ (۴۶۸ ، ۴۷۳)

فضل اللہ خواجہ رشید الدین - وزیر (۶۹ ، ۱۹۰)

۲۶۵ ، ۲۶۶ ، ۲۷۶ ، ۲۸۰ ، ۲۸۲ ، ۲۸۴ ، ۲۸۵ ، ۳۰۱ ، ۳۰۵

۳۱۰ ، ۳۱۴ ، ۳۱۸ ، ۳۱۹ ، ۳۲۰ ، ۳۲۱ ، ۳۲۲ ، ۳۲۳ ، ۳۲۳

۳۲۴ ، ۳۲۶ ، ۳۲۷ ، ۳۲۸ ، ۳۲۹ ، ۳۳۰ ، ۳۳۱ ، ۳۳۲ ، ۳۳۹

۳۵۰ ، ۳۵۳ ، ۳۵۶ ، ۳۵۸ ، ۳۶۰ ، ۳۶۱ ، ۳۶۲ ، ۳۶۳ ، ۳۶۷ ، ۳۸۷

۳۸۸ ، ۳۸۹ ، ۳۹۰ ، ۳۹۱ ، ۳۹۱ ، ۳۹۱ ، ۳۹۱ ، ۳۹۱ ، ۳۹۱ ، ۳۹۱

۵۵۹ ، ۵۶۳

فضل اللہ شیرازی ، عز الدین (۴۸۷ ، ۵۲۱)

فضلوئیہ حسنیویہ ، فضل بن علی بن حسن بن

ایوب (۳۸۱ ، ۳۸۲ ، ۳۸۳)

فغفور چین (۵۴۸)

فولادستون (۴۰۱)

فولاد قیا ، امیر (۳۰۸ ، ۳۱۲)

فیروز شاہ ، جلال الدین (۵۲۹ ، ۵۴۷ ، ۵۴۸)

فیلیپ لیل (philippe le Bel) (۲۴۵)

ق

القائم بامر اللہ (۴۰۱)

قائم مقام ثانی فراہانی (۵۴۳ ، ۵۴۴)

قاضی بیضاوی ، قاضی القضاة ابو الخیر ناصر الدین

عبداللہ بن عمر بیضاوی (۳۹۳ ، ۵۰۷ ، ۵۰۸)

قانعی طوسی ، ملک الشعراء بہاء الدین احمد

بن محمود قانعی طوسی (۵۳۶ ، ۵۳۷)

قاورد بن جفری بیک (۳۸۱)

القاهر ، الملك - تہ - بیدرا

القاهر باللہ ، محمد بن ابی بکر (۴۳۰)

قبیجق یا قبچاق (۲۷۰ ، ۲۷۷ ، ۲۷۸)

قتاغ ترکان (۴۰۵ ، ۴۰۶ ، ۴۰۷)

قتلغ خان (۳۴ ، ۴۴ ، ۴۹ ، ۳۱۶ ، ۴۰۳)

قتلغشاہ (۲۶۵ ، ۲۶۶ ، ۲۷۱ ، ۲۷۲ ، ۲۷۳ ، ۲۷۴ ، ۲۷۵)

۲۷۶ ، ۲۷۷ ، ۲۷۸ ، ۲۸۰ ، ۲۸۰ ، ۲۸۰ ، ۲۸۰ ، ۲۸۰ ، ۲۸۰ ، ۲۸۰ ، ۲۸۰

۳۱۲ ، ۳۱۴ ، ۳۱۴ ، ۳۱۴ ، ۳۱۴ ، ۳۱۴ ، ۳۱۴ ، ۳۱۴

قتلغشاہ خاتون (۳۱۶ ، ۳۲۲)

قتلغ قیا (۳۰۸ ، ۳۰۹)

قدوز ، امیر سیف الدین (۱۹۵ ، ۱۹۸ ، ۱۹۸)

، ۲۷۲

قرا بوغا (۲۰۱ ، ۲۱۶)

قرا جری (۳۵۵ ، ۳۵۶ ، ۳۵۷ ، ۳۵۸)

قراچہ خاص (۳۲۲)

قراچہ (۱۶۵)

قراچہ نوبان (۶۴)

قرا سنقر (۲۶۸ ، ۲۷۲ ، ۲۷۳ ، ۲۷۴ ، ۲۷۵ ، ۲۷۵ ، ۲۷۵)

کتابی قزوینی ، نجم الدین دبیران (۱۹۱)	قرامحمد (۴۶۳، ۴۷۰، ۴۵۷)
کاتر مر (Quatremère) ۷۹	قرا یوسف ترکمان (۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۵)
کامیار ، امیر کمال الدین (۱۳۵)	قزغنی (۲۷۸)
کاوس بن کبچاد (۴۵۸، ۴۵۷)	قشمر ، جمال الدین (۱۱۵)
کاوس بن هوشنگ ، غیاث الدین (۴۴۸)	قشمر (۵۶۰، ۵۵)
کیک خان (۲۲۱)	قطب الدین بچشتی (۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۶)
کتبغا ، الملك العاطل زین الدین (۲۶۸، ۲۷۱)	قطب الدین حبش ، امیر عمید (۵۲۴)
۲۷۲، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷	قطب رازی ، علامه قطب الدین محمد بن محمد بویه رازی (۳۵۱، ۳۵۱، ۵۲۳)
کتابی ، ظهیر الدین (۴۷۴)	قطب الدین موصلی ، قاضی (۲۷۵)
کرب ملک (۵۹)	قفطی ، قاضی اکرم جمال الدین ابوالحسن علی (۱۰۳، ۴۸۰)
کربوغا بهادر (۲۷۳)	قلاوون الفی ، سیف الدین ، الملك المنصور (۲۰۸، ۲۱۰، ۲۱۵، ۲۲۰، ۲۲۵، ۲۲۴، ۲۶۶)
کردوجین (۴۰۶، ۴۰۷، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۱)	۲۶۷، ۲۶۸، ۲۷۱، ۲۷۲
کلبلات (۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸)	قلج (۱۴۰، ۱۴۱)
کلجه ، نصره الدین (۴۴۴، ۴۴۸)	قلیج ارسلان ، سلطان رکن الدین (۲۰۹)
کلمان چهارم (Clément) ۲۰۳	قوبیلای قآن (۶۸، ۷۷، ۲۰۴، ۲۰۷، ۲۹۴)
کلوا سفندیار (۴۷۲)	قوتوقونویان (۶۹، ۶۴، ۶۶، ۷۰، ۷۳)
کلیم (۵۴۴)	قور تیمور (۳۰۶)
کمال الدین اسماعیل اصفهانی ، خلاق المعانی بن جمال الدین عبدالرزاق (۳۸۵، ۳۹۱)	قور میشی (۳۳۲، ۳۳۳)
۵۴۲، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۵۳	قونغر تای (۲۲۲، ۲۳۰، ۲۲۷، ۲۳۵)
کمال الدین عبدالرزاق سمرقندی (۴۹۱)	۳۲۱
کمال الدین عبدالرزاق کاشانی (۵۰۹)	قیدوخان (۱۶۲، ۲۰۷، ۲۴۱)
کوتان (۱۵۲)	

۲۵۸،۲۵۲،۲۵۱،۲۵۰،۲۴۹،۲۴۸،۲۴۷،۲۴۶ | کوچ تکین (۶۴)
 ۲۹۴،۲۹۳،۲۷۹،۲۷۱،۲۶۸،۲۶۷،۲۶۲،۲۶۱ | کوچک خان (۱۹۹،۱۹۶،۱۹۱)
 ۱۴۴۶،۴۹۳،۴۰۷،۴۰۶،۳۹۷،۳۹۶،۳۶۴،۳۰۷ | کوچو (۱۵۱)
 ۵۵۹،۴۸۷،۴۵۹ | کورکا (۱۲۷)

کیومدوروبروکی (Guillaume de Rubruquis) | توروش کبیر (۲۸۱)
 ۴۹۴،۱۶۰ | کیتوبوقا (۱۹۸،۱۹۲،۱۸۳،۱۸۲،۱۷۵،۱۷۴)
 کیوک (۱۵۵،۱۵۴،۱۵۳،۱۵۲،۱۵۱،۱۴۷،۱۷۲) | ۴۴۵
 ۴۹۴،۴۸۶،۴۰۴،۱۶۱،۱۵۹،۱۵۶ | کیغسرو، سلطان غیاث الدین (۲۰۹،۱۴۶)
 ۴۳۷،۴۳۶،۴۱۵،۴۱۴،۴۱۱

ل

لاچین، الملك المنصور (۲۷۰،۲۶۹،۲۶۸) | کیقباد، سلطان علاء الدین (۱۲۹،۱۱۷)
 ۲۷۱ | ۱۴۴،۱۴۳،۱۴۱،۱۳۷،۱۳۵،۱۳۳،۱۳۲،۱۳۱
 لاچین، امیر سیف الدین محمود شمس | کیقباد، معز الدین (۵۴۷،۵۴۶)
 ۱۵۴۶ (| کیکوس، سلطان عز الدین (۵۳۷)
 لاغری (۳۷۴) | کین جو (۲۷۸)
 لطف الله سریداری، خواجہ (۴۷۵،۴۷۳) | کیومرث (۵۲۱)
 ۴۷۷،۴۶۶

لقمان پادشاه بن طغاتی مور (۴۷۸،۴۷۷)
 لقمان، بهلوان (۳۷۷)
 لئون پنجم (۳۴۸،۳۴۷)

م

لئون کاهون (Léon Calun) (۴۹۵) | کرشاسف، عز الدین (۴۵۲،۴۵۰،۴۴۹)
 لؤلؤ، الملك الرحیم بدر الدین (۱۲۰،۹۲) | کرگواردهم (Grégoire) (۲۰۳)
 ۴۸۶،۱۹۶،۱۹۳،۱۹۱،۱۹۰،۱۸۴،۱۸۱ | کرگوز (۱۶۹،۱۶۸،۱۶۷،۱۶۶)
 لونی لهم (۴۹۴،۳۱۰،۱۹۴،۱۹۳،۱۸۷،۱۶۰) | کل (۵۴۹)
 لیفون یا لئون (۲۱۳،۲۱۲،۲۰۹،۲۰۸) | کور تیمور (۲۸۰)
 ۳۶۹ | کورخان قراختائی (۱۱۲،۴۲،۱۹،۱۱،۹،۸)
 کیخانو (۲۴۵،۲۴۴،۲۴۳،۲۳۹،۲۳۱،۲۲۵)